

# زرتشتیان



# ماهنامه

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

The Zoroastrian Journal

شماره ۱۴ - پاییز ۳۷۴۷ زرتشتی، ۱۳۸۸ خورشیدی، ۲۰۰۹ ترسای

## هنرمند برجسته، بانو پریچهر نامدار فریدونی

### در این شماره:

- هنرمند برجسته پریچهر نامدار فریدونی
- جهانگیر تاتا و صنعت هند
- جشن مهرگان
- پاسداشت زبان پارسی
- سیمای آموزگار راستی
- گوهر آزادی از دیدگاه آیین زرتشت
- مغان چه کسانی بودند؟
- آتشکده ساسانی نطنز



## ماهنامه زرتشتیان



● فرهنگی، دینی، خبری، اجتماعی، پژوهشی و ادبی.

- پاییز ۳۷۴۷ دینی زرتشتی، برابر با ۱۳۸۸ خورشیدی و برابر با ۲۰۰۹ ترسای
- شماره چهاردهم، ۳ هزار تا
- سردبیر: مهرداد ماندگاری
- زیرنگو: گروه انتشار مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و انجمن مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
- زمان انتشار: هم اکنون، هر سه ماه یک بار
- رایانه: رامین شهریاری
- نایب و صفحه بندی: A Smart Typesetting
- چاپ: LA WEB PRESS

● همکاران گروه انتشار: شهرزاد آتش، موبد بهرام دبو، دکتر نیاز کسروی، نسرین ارباب‌دبشتی، دکتر زرتشت آزادی، مهرداد ماندگاری، مهرداد شهریاری، موبد دکتر رستم وحیدی

- دیگر همکاران که ما را در این شماری یاری داده‌اند: مهر آملسد، شاهین سپنتا، شادی آریاباد، هوشنگ مهر خداوندی، دکتر پرویز کویایی، پرویز منوچهری، دکتر برزو نجمی، شهریار افشاری، فرید شولیزاده، اردشیر باغخانیان، و رؤیاوالتمن
- ماهنامه زرتشتیان وابسته به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از همه ی نویسندگان نوشتار می پذیرد.
- نوشتارها می باید با خط خوانا نوشته شده باشند.
- گروه انتشارات در ویرایش و کوتاه کردن نوشته ها آزاد است و نوشتارهای رسیده بازگردانده نمی شوند.
- نگرها و پیشنهادهای نویسندگان در نوشته ها رأی و نگر ماهنامه زرتشتیان و یا مرکز زرتشتیان نمی باشند.
- تلفن و آدرس دفتر ماهنامه

۴۷۳۷ - ۸۹۳ (۷۱۴)

8952 Hazard Ave.

Westminster, CA 92683

فکس:

۹۵۷۷ - ۸۹۴ (۷۱۴)

Email: info@czcJournal.org

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما درخواست می کند که نوشتارها، فرتورها (عکس ها) و پیشنهادهای خود را به نشانی:

info@czcJournal.org

بفرستید. فرتورهای برگزیده با نام فرستنده چاپ خواهند شد.

www.czcJournal.org

در تارنمای می توانید نشریه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را ببینید.

### یادداشت سردبیر

## سخن تحت

«بهترین گفته ها را با گوش بشنوید و با اندیشه روشن بنگرید. سپس هر مرد و زن از شما از این دو راه «نیکی و بدی» یکی را برای خود برگزیند. این آیین را بیش از آنکه روز بزرگ فرارسد دریابید!»

از بخش ماهنامه ی پیشین که شماره ی ویژه نوروزی بود زمانی می گذرد. با پوزش از تمامی فرهنگ دوستان و خوانندگان این نشریه باید انگیزه ی این دیرکرد گفته و نوشته شود.

همانگونه که آگاه هستیم، رکود اقتصادی و پیشآمدهای وابسته به آن گریبانگیر تمامی بخش های جامعه و مراکز علمی و پژوهشی و هم چنین سازمان های نا سودبر نیز شده است. این سستی اقتصاد موجب کمبود درآمد و دهش به مرکز زرتشتیان شده و در نتیجه بخش بزرگی از بودجه ی این ماهنامه کم شده و ما را با مشکل بسیار جدی برای تهیه و بخش این ماهنامه که همواره هر سه ماه یکبار منتشر می شد روبرو کرده است.

از آنجایی که تلفن های بیشمار شما فرهنگ دوستان و مهرورزان به ایران اهورایی و به این ماهنامه همواره پشتیبان و همراه ما بوده است توانستیم با یاری نیکوکاران و دهشمندان و پشتیبانی بنیادهای نیکوکارانه به نشر این ماهنامه ادامه بدهیم.

از شما خوانندگان و مهرورزان درخواست داریم که برای ادامه این ماهنامه ما را یاری دهید. نوشتار هر سازمانی نمونه کارکرد آن سازمان است. بیایید با پشتیبانی مالی خود از این ماهنامه نشان دهیم که به بنیاد و فرهنگ خود وابسته ایم و در پیشرفت و شناسایی آن هم بهره هستیم. آگاه باشید که تمامی نویسندگان، دبیران و کارگزاران این ماهنامه به رایگان و تنها با پشتیبانی و دلگرمی شما به این کار ادامه می دهند. با کمک های خود به گسترش و ترویج و شناسایی گذشته پر ارج نیاکانمان و شناسایی هرچه بیشتر (هویت ملی)، پیشینه میهنی خود یاری می رسانید.

ایرانیان هم اکنون بیش از هر زمانی به دنبال شناسایی پیشینه میهنی (هویت ملی) خود هستند. حرکت خود جوش جوانان، روشنفکران و مردم آزاده ایران اهورایی همواره به دنبال هویت گمشده ی خود که همان پیشینه میهنی است می باشد. این افکار آزادخواهانه و این فرهنگ آریایی را می توان در شاهنامه فردوسی بزرگ نیز دید.

چقدر زیباست امیدواری و خوشختی و شادی و شادمانی، و چقدر نیکوست اندیشیدن به زیبایی ها و شادمانی ها و تنها تماشاگر گل های رنگارنگ گلستان بودن. با عشق و با مهر زندگی کردن، مهرورزیدن به دیگران و پاسداشت به حقوق بشر. مهر به نیاکان پر ارجمان.

شناسه میهنی ما بخشی از فرهنگ آریایی که پر از پیام های نیکوی انسانی و اندیشه های درست زندگی کردن و فروزندی آیین های آزادی می باشد. ما باید در راه گسترش شناسایی اندیشه و روان ایرانی که بر روی سه ستون اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک استوار است کوشا باشیم.

این چنین باد که آرزو داریم.

### با سپاس فراوان

از دهشمندان و نیکوکاران گرامی:

دکتر داریوش جهانیان

دکتر اردشیر و بانو شیدا انوشیروانی

تراست روانشاد ارباب رستم گیو

انجمن دوستاران زرتشت

انجمن جهانی زرتشتیان

که با مهر و گشاده دستی به این رسانه پشتیبان ی مالی داده اند و انگیزه ی سر پا ماندن آن را فراهم آورده اند.



### پروردگارا

بشود مانند کسانی باشیم که جهان را به سوی تازه گی و پیشرفت می برند. ای خداوند جان و خرد، و ای هستی بخش دانای بزرگ، بشود که در پرتو راستی و پاکی از یاری تو برخوردار گردیم و زمانی که دستخوش بد گمانی و دو دلی هستیم اندیشه و قلب ما یکپارچه روی به تو آورد.

گات ها - هات ۳۰ بند ۹  
از سروده های اندیشه برانگیز زرتشت

### درخواست یارانه پولی

از کسانی که خواهان پرورش و گسترش ماهنامه ی زرتشتیان کالیفرنیا در زمینه های فزونی شماره، افزایش برگ ها و به سازی نوشتار هستند و توان دادن یاری های پولی دارند، خواهشمندیم

چک های یارانه ی خود را به نشانی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

8952 Hazard Ave.

Westminster, CA 92683

بفرستند و یا به یکی از شعبه های بانک «چیس» رفته،

یارانه ی خود را به شماره حساب ۶-۳۳۴۶۷۵-۴۲۱ بریزند

California Zoroastrian Center

Zoroastrian Journal

Chase Bank

Account #421-334675-6

مهر افزون - مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

از: نسرين اردیبهشتی

## گفتگو با هنرمند برجسته «شوالیه‌ی هنر» پریچهر نامدار فریدونی



SUNRISE IN U.S.A. on canvas.  
OIL COLOR. 76x50,5cm. 1988. c.p.  
PARICHEHR NAMDAR (Freydouni)  
RNF



پریچهر کرد. در این مراسم که به مناسبت سال «زن» برگزار شده بود ایشان تنها زن ایرانی بود که به این نمایشگاه دعوت شده بودند.

از خانم پریچهر نامدار فریدونی می‌خواهم که

به دیدن هنرمند برجسته، نقاش عالیقدر خانم پریچهر نامدار فریدونی رفته‌ام. اولین باری بود که ایشان را از نزدیک ملاقات می‌کردم.

با روئی گشاده مرا پذیرفت و به پای صحبت با ایشان نشستم. قبل از همه چیز درباره شوهر عزیزش مهندس بهرام فریدونی که حدود یک سال و اندی پیش دیده از جهان فرو بست، صحبت کرد.

پریچهر می‌گفت که: بهرام، شوهری وفادار و پدری مهربان بود، که همواره مشوق او بوده

است و با داشتن کاری پر مسئولیت در گردهمایی‌های هنری و اجتماعی همیشه با او همراه بود.

خانم پریچهر نامدار در تهران متولد شد. مادرش سیمدخت زارع و پدرش کیخسرو نامدار بودند.

پریچهر می‌گوید که مادرش از همان آوان کودکی پی به استعداد پریچهر و علاقه ویژه او به کشیدن نقاشی و خطوط و رنگ برده بود. مادر این استعداد را در او پرورش می‌داد بطوریکه دست کوچک او را در دست می‌گرفت و کشیدن خط و ترسیم اشکال را به او می‌آموخت.

پریچهر پس از گرفتن دیپلم از دبیرستان دخترانه زرتشتیان در تهران، «انوشیروان دادگر» به تشویق مادر خود وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد و در سال ۱۹۵۴ درجه لیسانس خود را از این دانشکده دریافت کرد. خانم پریچهر نامدار تنها زن زرتشتی است که از این دانشکده فارغ التحصیل شده است.

پریچهر بعد از مدتی نقاشی‌های بسیاری را آفرید و موفق شد که در نمایشگاه‌های گروهی و انفرادی چون «کلوب مهرگان»، «خانه آفتاب»، «موزه هنرهای معاصر»، «فرهنگسرای سرو»، «گالری برگ»، «فرهنگسرای نیاوران»، «موزه آزادی»، و دیگر گالری‌ها شرکت کند، و جایزه‌هایی دریافت دارد.

در سال ۱۹۵۳ در سازمان نقشه برداری که تازه تأسیس شده بود، مشغول به کار شد. تدریس شناخت رنگ و کمیسیون به کارآموزان و سپس سمت سرپرستی بخش نقشه کشی آن سازمان به ایشان واگذار شد، در ضمن آرم سازمان نقشه برداری کشور از طراحی‌های ایشان است که بیش از پنجاه سال است که در این سازمان مورد استفاده است. هم‌چنین با پیشنهاد ایشان ساختن اولین نقشه برجسته ایران انجام گرفت که امروزه این ماکت در این سازمان موجود است.

در سال ۱۹۵۷ با مهندس بهرام فریدونی ازدواج کرده و به خاطر کار شوهرش، در شهر آبادان مقیم شد. در آبادان به کارهای هنریش ادامه می‌داد از آن جمله: آموزش نقاشی در کلوب بانوان و کلاس آموزش خصوصی در منزل دائر کرده بود و برنامه تلویزیونی بنام «دکوراسیون منزل» را اداره می‌کرد. هم‌چنین سرپرست خیاطی و هنرهای دستی بومیان شهر آبادان در بنیاد خیریه را به عهده داشت.

از خانم پریچهر نامدار فریدونی از سبک نقاشی و کارهای هنریش می‌پرسم. او می‌گوید که: همه گونه سبک نقاشی را مطالعه و تجربه کرده است، تا اینکه در سال ۱۹۶۴ تکنیک جدیدی را که در آن از سبک ویژه‌ای که حرکت، گذشت زمان و بازتاب در آن آشکار می‌شود را بوجود آورد.

پریچهر می‌گوید که: این سبک نقاشی را از طبیعت الهام گرفته است. یکی از آثار معروفی که پریچهر در این سبک آفریده است نقاشی «مهتاب» نام دارد که بیننده از یک سمت تابلو، «ماه» را که در زیر ابرها پنهان است می‌بیند و وقتی که در نقطه مقابل همین تابلو قرار گیرد، نور مهتاب را از میان ابرها مشاهده می‌کند و زمانی که بیننده در سمت دیگر تابلو بایستد «ماه» را کاملاً از پشت ابرها بیرون آمده، نمایان می‌بیند. در این اثر می‌توان حرکت، گذشت زمان و بازتاب را کاملاً احساس و ملاحظه کرد.

خلق این تکنیک و سبک جدید «حرکت» گذشت زمان و بازتاب نقاشی بود که در سال ۱۹۷۸ مدال طلا و دیپلم افتخار از U.F.A.C.S.I. در شهر Vichi کشور فرانسه را از آن

درباره این تکنیک جدید نقاشی توضیح بیشتری بدهند، پریچهر می‌گوید:

- آنچه در طبیعت وجود دارد و می‌بینیم، حجم و بُعدی دارد و فضائی را اشغال کرده است، بنابراین در سطح صاف نباید نقاشی شود. زمین زنده است و هر آنچه در درون یا بیرون از زمین وجود دارد از خود امواج حرارتی به اطراف پخش می‌کنند.

- انسان‌ها از راه سمپاتی «خوش آمدن»، آنتی پاتی «خوش نیامدن» یا تله پاتی «ارتباط فکری داشتن» با برخورد امواجی که از مغزها تراوش می‌کند، با هم ارتباط احساسی برقرار می‌کنند. همینطور هاله حرارتی که در اطراف بدن هر فرد یا موجودات زنده وجود دارد، با برخورد این امواج با هم ارتباط برقرار می‌کنند.

- عواملی مانند برف، تگرگ و باران‌های تند، ابهام زیبایی را بر روی طبیعت بوجود می‌آورند. نرده‌ها، کرکره‌ها و حصیرها هم موجب پیدا و ناپیدائی‌ها بر روی طبیعت می‌شوند.

- شیشه‌های مات و یا آب موجب بازتاب و انعکاس رنگ و شکسته شدن فرم می‌گردند.
- حرکت ابر بر روی خورشید و ماه خود نیز موجب دگرگونی‌ها می‌شود.

- مهم‌تر از همه، احساس گذشت زمان است، مانند طلوع و غروب خورشید، خورشید گرفتگی «کسوف» و ماه گرفتگی «خسوف» و غیره.

- وسیله نقاشی قلم‌مو، رنگ و بوم می‌باشند و در صورت زیاد شدن دیگر مواد نباید به آن نام نقاشی داد.

- با این شیوه قلم‌گذاری است که تمام این گفته‌ها در هنر طبیعت‌گرایی با این تکنیک به نقش در آمده است.

- برای دیدن این تابلوها باید به فرم ۱۸۰ درجه، از یک جهت تابلو به جهت دیگر تابلو حرکت کرد تا دگرگونی‌های رنگ، فرم و کمپوزیسیون و داشتن حجم و بُعد و بازتاب‌ها و از همه مهم‌تر «گذشت زمان» را احساس کرد.

- چون زمان، زمان حرکت است، از این رو در هنر نقاشی طبیعت‌گرایی هم باید حرکت را بوجود آورد.

بعد از خلق این سبک بود که نقاشی‌های خانم پریچهر نامدار مورد توجه بسیاری از مقامات، محافل و مجامع هنری داخلی و خارجی قرار گرفت.

از خانم پریچهر نامدار در مورد لقب «شوالیه هنر» که به ایشان داده شده است پرسیدم. ایشان توضیح دادند که این لقب به افراد برجسته در مقام هنری به مردان داده می‌شود که در سال ۱۹۸۴ به تکنیک ابداعی در هنر نقاشی که بوجود آورده‌ام به من داده شد.

ایشان نه تنها در کار نقاشی، طراحی لباس و دکوراسیون منزل و رنگ‌مهارت دارند، بلکه در سرودن شعر هم علاقه و استعداد دارند که امیدواریم مجموعه اشعار خودشان را بزودی به چاپ برسانند.

خانم پریچهر نامدار همواره پیرو و پای بند سه پند دین زرتشتی بوده و «اندیشه نیک»، «گفتار نیک» و «کردار نیک» را نماد زندگی خود دانسته است.

لباس موبدان زرتشتی را خانم پریچهر نامدار فریدونی در سال ۱۹۶۵ در ایران طراحی کرده، که هم اکنون نیز موبدان از آن استفاده می‌کنند.

بدون شک ایشان یکی از زنان برجسته ایرانی است که باعث افتخار ایرانیان و به ویژه زرتشتیان می‌باشد. خانم پریچهر نامدار فریدونی جوایز مهمی را در طول زندگی هنری خود دریافت کرده‌اند.

ثمره ازدواج پریچهر نامدار و مهندس بهرام فریدونی چهار فرزند با نام‌های «ویاستار»، «ایتاو»، «کاته» و «هیتاسپ» می‌باشند.

از شوالیه هنر برای وقتی که به من دادند سپاسگزاری می‌کنم و برای ایشان سلامتی و دیرزیوی آرزو می‌کنم. ■

**پیشگفتار**

گروه تاتا (۳)، شرکت بین‌المللی است که مرکزیت آن در شهر مومبای (۴) هند می‌باشد. براساس میزان سرمایه و درآمد گروه تاتا بزرگ‌ترین شرکت خصوصی در هندوستان و یکی از شرکت‌های معتبر در سراسر جهان می‌باشد. حوزه‌های فعالیت گروه تاتا عمدتاً شامل استیل، اتومبیل، فناوری اطلاعات، انرژی، چای و هتل‌داری می‌باشد. این گروه در بیش از ۸۵ کشور در شش قاره دنیا فعالیت می‌کند. گروه تاتا شامل ۹۸ شرکت است که در هفت حوزه فعالیت تجاری انجام می‌دهد. ۶۵/۸ درصد از مالکیت گروه برای امور خیریه مصرف می‌گردد. نام گروه از موسس آن جمستجی تاتا (۵) گرفته شده است که روسای بعدی نیز از خانواده او که از پارسیان هستند می‌باشند. رییس فعلی گروه، رتن تاتا (۶) بوده که این پست را در سال ۱۹۹۱ از J.R.D. تاتا تحویل گرفته است. J.R.D. به عنون یکی از افراد معروف در عصر جهانی شدن مطرح است. در این گزارش به بررسی اجمالی عقاید و فعالیت‌های او می‌پردازیم.

**زندگی J.R.D. تاتا**

گفته می‌شود پول، مثل کود است: اگر روی هم انباشته باشد، بد بو است و اگر گسترده شود، سود رسان است و باعث آبادانی (۷). تاتاها جز اولین خانواده‌های هندی بودند که برای منفعت شخصی بود. در نتیجه به ارزش سرمایه‌گذاری بیش از هزینه سرمایه‌گذاری توجه داشتند. آنان وقت خود را صرف بدست آوردن طلا از زمین نکردند، بلکه سعی کردند زمین را به طلا تبدیل کنند. آنان بر سرمایه‌های انسانی نیز به اندازه سرمایه‌های فیزیکی اهمیت دادند. چون می‌دانستند چگونه قدرت اشیا را به قدرت ابدی تبدیل کنند. این ویژگی‌های انسانی به تاتا برای ساختن میراثی براساس دیدگاه آزادی اختیار و عدالت زرتشت برای همه انسان‌ها کمک کرد. در سال ۱۸۸۸ Tata Mills توانست سود سهام خود را پرداخت نماید. چنانکه پولی برای پرداخت به کارکنان نداشت. دورابعی تاتا (۸) پسر جمستجی تاتا تمامی ثروت شخصی خود را که معادل یک میلیون روپیه امروز بود و جواهرات همسرش را برای دریافت وامی از بانک دولتی هند به خطر انداخت تا نام تاتا را حفظ کند.

یکبار یکی از مدیران ارشد کمپانی تاتا سعی کرد برای افزایش سود شرکت از یک روش غیراخلاقی استفاده کند. او در گفتگو با JRD گفت که: کار من غیرقانونی نیست. JRD در جواب گفت: غیر قانونی نیست، بلی، اما آیا کار درستی است؟ زمانی که همه صاحبان صنایع اعتقاد داشتند انسان‌ها باید در خدمت صنایع باشند، جمستجی تاتا اعتقاد داشت که صنایع باید در خدمت انسان‌ها باشند. JRD فلسفه خود را یک گام به جلو برد و گفت:

من اعتقاد دارم که مسئولیت‌های اجتماعی شرکت صنعتی ما باید فراتر از خدمت به مردم گسترش یابد و به طبیعت نیز خدمت کند. این نیاز امروزه قابل تشخیص است. دیگر صنایع نیز باید تلاش کنند تا حمایت خود را نه تنها به انسان‌ها بلکه به زمین، جنگل‌ها و موجودات زنده نیز گسترش دهند. به طور خلاصه فلسفه کاری JRD عبارت بود از حفظ ثروت طبیعت برای افزایش سلامت انسان‌ها. پادشاه صنعت هند، (JRD)، در سال ۱۹۰۴ در پاریس به دنیا آمد. مادرش فرانسوی و پدرش زرتشتی بودند. جد بزرگ او دستور نوسازی (۹) داد. او دومین فرزند از چهار فرزند خانواده بود. تحصیلات خود را در فرانسه، ژاپن و انگلیس انجام داد و به حکم پدر برای اداره گروه تاتا به هند بازگشت. او در سال ۱۹۳۸ در سن ۳۴ سالگی به عنوان مدیر گروه تاتا بزرگ‌ترین شرکت هند انتخاب شد و حدود ۵۰ سال یعنی تا سال ۱۹۸۸ رییس این گروه بود.

**شعار زندگی او این بود:**

«هیچ گاه با ترس شروع نکن، همیشه با اعتماد به نفس شروع کن و اینکه برای رهبر بودن باید انسان‌ها را با عشق رهبری کرد.» او می‌گفت: من هرگز علاقه‌ای به پولدار شدن نداشتم و در هیچ یک از تصمیماتم از خود نپرسیدم آیا برایم ثروت می‌آورد یا نه.

دغدغه او سودرسانی به مردم بود. فلسفه‌ای که JRD با آن بزرگ‌ترین تجارت هند را در بیش از نیم قرن رهبری نمود. در سال ۱۹۲۲، به دلیل تلاش‌های بشر دوستانه "the bharat ratna" که بالاترین درجه کشوری هند می‌باشد به JRD تعلق گرفت، از معدود دفعاتی که درجه‌ای در حین حیات به فردی داده می‌شود.

در همان سال به دلیل جنبش برنامه‌ریزی خانواده، جایزه کنترل جمعیت سازمان ملل متحد به وی بخشیده شد. وی این برنامه را سال‌ها پیش از اینکه به یک سیاست رسمی دولت تبدیل شود، شروع کرده بود.

در روز فوتش در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۳، مجلس هند به یاد او تعطیل شد. کاری که برای اشخاص عادی انجام نمی‌شد. در Maharashtra - ایالتی که وی در آن سکونت داشت - نیز سه روز عزای عمومی اعلام کردند.



**جزایر هوانوردی:**

JRD اولین هندی بود که در امتحان خلبانی با نمره ممتاز قبول شد و با احداث خطوط هوایی تاتا (بعدها Air India نامیده شد) به هندوستان بال پرواز داد. زمانی که پرواز تفریحی برای پولداران بود، خطوط هوایی برای شهروندان ایجاد کرد. از آنجا که مایل بود همه نقاط هند را به هم نزدیک کند خدمات هوایی تاتا را در سال ۱۹۳۲ تأسیس نمود. در سال ۱۹۴۸ خطوط هوایی بین‌المللی هند (۱۰) را به عنوان اولین خط هوایی بین‌المللی هند بوجود آورد. در سال ۱۹۵۳ دولت هند JRD را به عنوان مدیر عامل Air India منصوب کرد که به مدت ۲۵ سال در این سمت باقی ماند. مدت ۴۶ سال دوره کاری‌اش در هواپیمایی با هواپیمای PUSMOTH دو سرنشین شروع و به بوئینگ ۷۴۷ با ۴۰۰ سرنشین ختم شد. به دلیل دستاورد هایش در هواپیمایی وی را رئیس افتخاری هواپیمای هند نامیدند. او به اتومبیل، مسابقه دوچرخه سواری و اتومبیل سواری نیز علاقه داشت. کالیانا چاوالا - فضانورد متولد هند که در سانحه شاتل فضایی کولومبیا جان خود را از دست داد - از JRD به عنوان انگیزه‌اش در فضانوردی یاد می‌کرد.

**جزیره استیل:**

در هند، جزیره استیل توسط پدر انقلاب صنعتی هند، جمستجی تاتا تأسیس شد. بودجه سالیانه اجتماعی و بشردوستانه استیل تاتا از هر موسسه خیریه یا شرکتی بیشتر است. بدین علت که سنت تاتا می‌گوید: «اگر ما فراتر از صنایع فکر کنیم، هدفی برای صنعت خود می‌یابیم و در این صورت صنایع مفیدتر خواهند شد.»

در استیل تاتا نه تنها استیل که انسان‌ها نیز ساخته و پرداخته شدند. به همین دلیل است که این محل هنوز هم درخشان است. اینجا جایی است که ملت هند تغییر یافت و از طرف سازمان ملل متحد، به دلیل کیفیت زندگی، وضعیت خیابان‌ها، جمع‌آوری زباله، رفاه و آسایش که توسط استیل تاتا ارائه می‌شد، شهر فشرده جهان (۱۱) نام گرفت. در سال ۲۰۰۷ استیل تاتا صدمین سال تأسیس خود را جشن گرفت.

در دهه ۱۸۹۰ جمستجی تاتا اعتقاد داشت که سلامت و رفاه کارمندان پایه و اساس رونق و موفقیت او است. براساس این سیاست ساعات کار کارمندان استیل تاتا را هشت ساعت در روز مشخص کرد در حالیکه ساعات کاری در کارخانه‌های غربی شیف‌های ۱۰ - ۱۲ ساعته بود. هشتاد سال بعد JRD اندیشید که مسئولیت شرکت فراتر از تعهدات اجباری است. در سال ۱۹۷۹ سیاست جدیدی اتخاذ شد: مسئولیت کارمند از زمانی که خانه را به قصد کار ترک می‌کند تا زمانی که به خانه برمی‌گردد برعهده شرکت است و در صورتی که در این مدت حادثه‌ای برای کارمند اتفاق بیفتد، شرکت مسئولیت مالی آنرا برعهده می‌گیرد.

وی در سال ۱۹۵۶ برنامه‌ای برای نزدیک تر شدن کارمندان و مدیران اندیشید تا صدای کارمندان شنیده شود. شدیداً به رفاه کارمندان اعتقاد داشت و از قانون هشت ساعت کار، درمان مجانی، تدریجاً در خصوص آینده کارمندان، جبران حوادث و... حمایت می‌کرد. این موارد بعدها جز الزامات قانونی هند شد. در دوره مدیریت JRD دو رخداد اساسی در استیل تاتا بوجود آمد: پاداش مشارکت سهام و کمیته مشاوره (۱۲). از آن زمان استیل تاتا آرامش میان کارمندان و مدیران را تجربه کرده است. این موارد نیز بعدها جزء الزامات قانونی هند شد.

**جزیره علم و تحصیل:**

در سال ۱۹۱۲ مدرسه اقتصاد لندن، دپارتمان رتن تاتا را تأسیس کرد. سال بعد برای سمت مدرس آگهی داد و دو نفر متقاضی شدند. یکی از آندو که مرد جوانی به نام کلننت اتلی (۱۳) بود انتخاب شد. ۳۲ سال بعد وی به عنوان نخست‌وزیر انگلیس انتخاب شد و در زمان دولت او بود که هند استقلال یافت (سال ۱۹۴۷). تحصیل و پژوهش مهر ضمانتی برای دولت تاتا بوده است. به این علت که اولاً یک زمینه آموزش برای افراد ایجاد کرده و ثانیاً سکویی برای افزایش دانش و شعور ملت. در میان مؤسسه‌هایی که توسط تاتا تأسیس شدند موارد زیر دیده می‌شود:

اولین مؤسسه علوم اجتماعی هند، اولین مرکز پژوهش در مورد سرطان و اولین مؤسسه پژوهش بنیادی در فیزیک و ریاضیات - که پیشگام برنامه انرژی اتمی در هند بود. تاتاها در یاری به سازمان جهانی سلامت و دولت هند برای رهاندن هند از آبله نیز نقش اساسی داشتند. کتابخانه یادبود JRD در بنگلور که به عنوان کتابخانه مؤسسه علوم هند شناخته می‌شود، یکی از بهترین کتابخانه‌های علوم و فناوری در هند می‌باشد. در سال ۱۹۱۱ گشایش یافت و به عنوان منبع با ارزش ملی در خصوص علوم و فناوری شناخته شده است. این کتابخانه سالیانه ۱۰ کرور روپیه هزینه می‌کند که ۹ کرور روپیه آن تنها برای آبونمان هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌های علمی و پژوهشی صرف می‌شود که از این نظر در دنیا بی‌نظیر است.

میراث JRD برای گسترش دانش، خدمات مشاوره‌ای تاتا (۱۴) می‌باشد. این مؤسسه سیستم

**جهانگیر رتن دادابهی تاتا (۱)**  
**جزایر تاتا**  
**در اقیانوس هندوستان**  
 نوشته: مهر دادابهی املسد (۲)  
 ترجمه: پرتو کاوسیانی

اعتبار ما باشد. هیچ مهارت و شایستگی نمی تواند جایگزین کمال منش ما گردد. این هسته معنوی باعث تمایز تاتاها از سایر کسب و کارهای جهانی می شود. در حالیکه همگی آنها باید تلاش کنند تا در دنیای مادی برنده شوند. در ۱۰۰ سال اخیر تاتاها در صنایع سرمایه گذاری کرده اند و در زمینه هایی فعالیت کرده اند که بر پیشرفت صنایع و ساختن ملت تمرکز داشته است، در حالیکه ارزش های اساسی توسط گروه پاسداری شده؛ ناسیونالیزم، نوآوری، رهبری، اعتماد، عدالت، اعتبار و...

سال ۲۰۰۴ «قرن اعتماد» نامیده شد - نیم قرن که به JRD نسبت داده شده بود. وی به عنوان کاپیتان صنعت، سازنده مؤسسات، دولتمرد، استاد و... اعتماد و انسانیت را به نمایش گذاشت. او معنی انسانیت را شرح داد: **انسانیت به این معنی نیست که کسی خود را کمتر از آنچه هست ببیند، بلکه به این معناست که کمتر به خود فکر کند.** او به قدرت دست یافت، اما قدرت، او را تغییر نداد به این دلیل که او بیشتر به قدرت عشق و علاقه داشت تا عشق به قدرت.

با دو نقل قول از کتاب «نانی برای مغز (۱۷):» سخن را پایان می بریم: موفقیت این نیست که در تیتراها از تو گفته شود، این است که در دل ها از تو یاد شود. تاتاها به میلیاردها قلب راه یافتند. «**فرق بین عادی و فوق العاده این است که فوق العاده می داند که می تواند تفاوتی ایجاد کند،**» JRD یکی از آن فوق العاده هایی بود که در انسانیت تفاوت ایجاد کرد. او نه تنها بر فکرها تأثیر گذارد، بلکه بر روح افراد نیز اثر گذاشت، به این ترتیب که رویه زندگی و فرهنگ کاری ترسیم کرد که به کشور و مردم اهمیت می داد. JRD از تو سپاسگزاریم برای اینکه زندگی کردی و قوانین صنایع، خیریه و درستی را برایمان به ارمغان آوردی. ■

منبع: سایت وهومن

- ۱- jehangir rattan dadabhay tata
- ۲- Meher Dadabhoy Amalsad
- ۳- Tata group
- ۵- Sir jamestji tata
- ۶- Rattan tata
- ۷- Money is like manure. It stinks when you pile it; it grows when you spread it.
- ۸- Sir Dorabji tata
- ۹- شهری است در هندوستان
- ۱۰- Air India International
- ۱۱- global compact city
- ۱۲- joint consultative council
- ۱۳- Tata consultancy service
- ۱۴- He was seeking the "extra" in the "ordinary" to make it extra-ordinary.
- ۱۵- Learning organizations
- ۱۶- Bread for the Head
- ۱۷- Bread for the Head

کامپیوتری ایجاد کرده که گسترش سواد در سراسر هند تسهیل و تسریع می کند. در حدود ۲۰۰ میلیون بزرگسال در هند توانایی خواندن و نوشتن ندارند. با TCS بی سواد با نرخ ۱۵٪ در حال کاهش است. به این صورت ۲۰ سال دیگر هند به نرخ ۹۵٪ با سواد می رسد. JRD نه تنها به آموختن در مورد کسب و کار و تجارت و تکنولوژی و امور مالی علاقه داشت بلکه به دانستن در مورد مردم، موسیقی، پزشکی، ادبیات، فلسفه، دین، علوم و هنر نیز علاقه مند بود. **او به دنبال «فوق» در «عادی» بود تا «فوق العاده» را بوجود آورد (۱۵).**

وی بچه ها را در راه مدرسه به خانه سوار می کرد نه تنها به دلیل مهربانی بلکه برای آنکه بدانند در مدرسه چه چیزهایی آموزش داده می شود - یک لحظه جادویی که می توانست به آینده نگاهی بیفکند. در نتیجه نه تنها «سازمان های یادگیرنده (۱۶) تأسیس کرد، بلکه خود نیز سرمشقی برای یادگیری بود.

#### جزیره کیفیت:

می گویند این پدر و مادرها هستند که نشان می دهند بچه هایشان چه کسانی هستند. تاتاها نیز صنایع هند را با تمرکز بر کیفیت شناساندند. تاتاها خانواده صنایع را با استیل به عنوان مادر صنایع، تحصیلات به عنوان پدر و نیروی هیدروالکتریک به عنوان فرزند بوجود آوردند. این در زمانی بود که این ضروریات صنعت برای متفکران عادی روشن نبود. **متفکران غیر عادی از آنچه متفکران عادی رد می کنند، استفاده می کنند.** کیفیت یکی از مواردی بود که تاتاها آنرا بکار گرفتند به این دلیل که متفکران غیر عادی بودند. JRD اعتقاد داشت:

**\* وقتی کار می کنی طوری کار کن که انگار همه چیز به تو بستگی دارد. وقتی دعا می خوانی طوری دعا کن گویی همه چیز به خدا بستگی دارد.**

**\* پاکیزگی مهر استاندارد واقعی است و بهترین بازرس کیفیت وجدان است.**

شعار TELECO با همین روش به دست آمد: کیفیت ابتدا مهندسی می شود، بعد از آن بازرسی می شود. در استیل تاتا اعتقاد بر این بود که درست کردن استیل را می توان با تهیه املت مقایسه کرد. برای تهیه یک املت خوب حتی یک ظرف طلا بی فایده خواهد بود اگر مایع مرغوب نباشد. JRD با تمرکز بر کیفیت، به عنوان صنعتگر گروه تاتا را در نقشه بین المللی قرار داد، به عنوان خلبان بازرگان هوایی را به هند آورد و به عنوان یک بشردوست مراکز خیریه تاتا (Tata charitable trusts) را ایجاد کرد.

#### جزیره خدمات:

در کتاب «صد زندگی مدرن برتر» دو فرد هندی حضور دارند: گاندی و جمستجی تاتا. فصل مربوط به جمستجی تاتا اینگونه پایان می باشد: شاید هیچ خانواده ای هرگز به هیچ کشوری به اندازه تاتا در هند در رهبری خردمندان، پیشرفت صنعتی و خدمات بشردوستانه کمک نکرده است. سنت تاتا برای خدمات رسانی به انسان ها با روح برادرانه در داستان زیر خلاصه شده است:

روزی در استیل تاتا در یک سانحه ۷۵ تن فلز گداخته به زمین ریخت و تعدادی از کارکنان سوختند. اولین آمبولانس تنها می توانست سه نفر را با خود ببرد. یکی از سه نفری که انتخاب شدند، هندو بود ولی او گفت: برادر نیم سوخته ام را اول سوار کنید. این مرد هندو ترجیح داد جان خود را به خطر بیندازد چون به خاطر آورد که باید در خدمت انسان ها باشد. یک سنت تاتا.

در زمان مدیریت JRD تاتاها جایزه ملی استخدام معلولین را بردند. تاتا سنتی را ایجاد کرد که در هنگام حوادث طبیعی مثل زلزله و... کارمندان یک تا دو روز حقوق خود را برای کمک رسانی به آسیب دیدگان اختصاص دهند. علاوه بر این کارمندان به صورت داوطلبانه خون خود را اهدا می کردند و به بازسازی مناطق آسیب دیده کمک می کردند.

JRD اعتقاد داشت: افراد عادی برای غذا اشتها دارند، اما افراد غیر عادی برای خدمت اشتها دارند. JRD با اشتها غیر عادی اش برای خدمت، پول شخصی خود را برای ایجاد خیریه اختصاص داد و چند سال بعد بخشی از سرمایه خود را برای ایجاد JRD and Thelma tata Trust - که امروزه به زنان محروم هند کمک می کند - اختصاص داد. جزایر تاتای دیگری نیز در هند وجود دارد، اما ما پنج جزیره را به عنوان سمبلی از پنج انگشت دست تاتا که برای کمک به انسان ها و انسانیت دراز شده است، انتخاب کردیم:

۱- **هیچ چیز با ارزشی، هرگز به دست نمی آید مگر با تفکر عمیق و تلاش.**

۲- **هر کس باید خودش ببیند و هرگز شعارهایی که تنها ارزش اسمی دارند را نپذیرد. (که البته انسان ها در پذیرفتن این گونه سخنان بسیار مستعدند.)**

۳- **هر کس باید برای بهترین، تلاش کند و حتی برای کامل و بی نقص بودن در هر کاری ولو بسیار کوچک و هرگز به دوم شدن راضی نشود.**

۴- **هیچ دستاوردی با ارزش نیست، مگر آنکه به کشور و مردم خدمت رسانی کند و از راه درست به دست آمده باشد.**

۵- **ارتباطات انسانی خوب نه تنها فواید شخصی دارند، بلکه برای موفقیت در هر کاری ضروری است.**

مقاله ای با عنوان کسب و کار به عنوان شغلی معنوی فلسفه JRD را خلاصه می کند: در شرکت های تاتا آتش ایده آلیسم را نگهداشته ایم و در نور آن تشخیص داده ایم که هیچ ثروت و قدرتی نمی تواند با ارزش تر از نیکنامی ما باشد. هیچ ورشکستگی یا سودی نمی تواند بحرانی تر از از دست رفتن

**کوروش کیخسرو شاهروخ**



دعای امور بازرگانی و تجاری

تشکیل، لیت، خرید و ادغام شرکتها

لیت حق تالیف، اختراعات، علائم بازرگانی

دعای ملکی، جلوگیری از حراج ملک

معاملات غلط پزشکی

تصادفات، صدمات بدنی و منجر بمرگ

تنظیم وصیت نامه و امور انحصار وراثت

دعای مربوط به آزار سالندان

- Corporate & Commercial Litigation
- Incorporations, Mergers & Acquisitions
- Trademark, Copyright and Patent Infringement
- Real Estate Litigation including Foreclosures
- Medical Malpractice
- Personal Injury & Wrongful Death
- Estate Planning & Probate
- Elder Abuse

**The Law Offices of**  
**Koorosh K. Shahrokh, Esq.**  
**Tel: (818) 996-7301**  
**Fax: (818) 996-7302**  
**6345 Balboa Blvd. Suite 232, Encino, CA 91316**

ایرانیان باستان برای شادی و پایکوبی جشن‌های بیشماری داشتند مانند جشن سده، جشن نوروز، جشن تیرگان، آبریزان و مهرگان. این جشن‌ها و گروهی دیگر که زرتشتیان آنرا گاهانبار نیز گویند، هنوز بر پا شده و گرامی شمرده می‌شوند.

برای آشنایی یا پشتیبانی از مهرگان به دانشنامه‌ی برهان قاطع که به کوشش دکتر محمد معین گردآوری شده نگاه کنیم، و به پارسی سره برمی‌گردانیم.

مهرگان به چم مهر و دوستی است و نام روز شانزدهم هر ماه و نام ماه هفتم از روز شماری خورشیدی و زرتشتی می‌باشد. آن روز آغاز خزان است و نزد پارسیان از این بزرگتر جشنی نمی‌باشد.

جشن مهرگان را در دو بخش گرامی می‌دارند. یک مهرگان همگانی که از روز شانزدهم ماه مهر آغاز می‌شود و مهرگان ویژه‌گان که در روز بیست و یک مهر ماه پایان می‌پذیرد.

ایرانیان می‌گویند که اهورامزدا زمین را در این روز گسترانیده و فرشتگان به یاری کاوه آهنگر آمدند، و فریدون بر تخت پادشاهی نشست.

ایرانیان در این روز ازدهاک یا ضحاک را که خونخواره جوانان بود دستگیر کرده، به کوه دماوند فرستاد و دریند کردند. ایرانیان به پاس آن روز جشن بزرگی برپا نمودند و با گسترش مهر و دوستی مردم را بهم نزدیک‌تر کردند. برخی از تاریخ‌نویسان گویند که در آن زمان پادشاهی مهر نام پس از سال‌ها ستمگری به دوزخ پیوست و مردم آن روز را مهرگان نامیدند.

اردشیر بابکان پادشاه نامور ساسانی در این روز تاجی بر سر نهاد که در آن نقش آفتاب بود و پس از آن پادشاهان پارس همان تاج را بر سر فرزندان خود می‌گذاشتند، و سفره‌ای هفت رنگ از میوه‌ها و سبزی‌ها و نوشابه‌ها

نوشته‌ی: دکتر پرویز کویایی



برای شادی و پایکوبی برپا می‌شد. در این روز پادشاهان هخامنشی پوشاک ارغوانی به تن می‌کردند و در باده نوشی به مردم می‌پیوستند می‌گویند در ارمنستان شهریانان ۲۰۰۰۰ کره‌اسب به دربار شاهنشاه ارمنان می‌دادند.

اردشیر بابکان و خسرو انوشیروان به مردمان تن پوش نو می‌دادند و موبد موبدان خوانچه‌ای در دست داشت که در آن لیمو و شکر و نیلوفر و به و سیب و خوشه‌ای از انگور سپید گذاشته شده بود. و او زمزمه‌کنان و با خواندن سروده‌ای شادی بخش آنرا به نزد شاهنشاه می‌آورد.

جشن مهرگان در آسیای باختری (ترکیه امروز و کشورهای هم‌جوار) نیز بر پا می‌شد و از آنجا آئین مهرپرستی به اروپا راه یافت و در روم باستان بنام روز زایش خورشید شمرده می‌شد که پس از پیدایش روزشمار تریسای مهرگان به ۲۵ دسامبر کشانده شد. و روز زایش عیسا مسیح به شمار آمد که امروزه ما آنرا بنام کریسمس می‌شناسیم.

باید یادآور شد که شب یلدا (درازترین شب سال) روز زایش خورشید را در پی دارد و ایرانیان آن شب را جشن می‌گیرند که به روزهای کریسمس نزدیک می‌باشد.

جای آن دارد که در اینجا بگوییم، مهرگان جشن ملی همه‌ی ایرانیان بوده و هست و از هر تیره و دین و نژاد، مهرگان را دوست دارند و هر جا هستند در سراسر جهان آنرا گرامی می‌دارند و با همایش‌های خود آنرا جشن گرفته و به شادی و پایکوبی می‌پردازند.

جشن مهرگان در تیره‌های ژرمن اروپا Octoberfest نامیده می‌شود و پیوند تاریخی با ایران کهن دارد. ● مهرگان بر همگان فرخنده باد

مانند شیرینی، ترنج، سیب، به، انار، کتار و انگور می‌انداختند که موبدان و دانشمندان را گرد خود آورده و باور بر این بود که هر که از این خوان بخورد و گلاب بر تن زند از آفت‌ها و بیماری‌ها به دور خواهند ماند.

یادآور می‌شود که مهرگان هم‌چنین نام گامی از موسیقی باستان می‌باشد.

در پارسی باستان Mitra Kana به چم وابسته به مهر، سال پارسیان نیز بوده که در روزگار کهن سال از پائیز آغاز می‌شد. یهودیان هم سال خود را از پائیز آغاز می‌کردند، و نه از بهار.

این روز جشن خدای نور و آفتاب «میترا» نیز بوده است که در گذشته‌های دور «یاغیادیش» به چم یاد روز بخ جشن خدایان نامیده می‌شده است و آنرا می‌توان در تاریخ بابلیان و ارمنیان نیز یافت و امروز می‌دانیم که زرتشتیان آنرا «ماه مهر» می‌خوانند.

در این روز جشن بزرگی برپا می‌داشتند که شش روز به دراز می‌کشید. روز پایانی را که در روز بیست و یکم ماه مهر بود.

در روزشمار زرتشتیان «رام‌روز» نامیده می‌شود. جشن مهرگان

## پنجمین همایش انجمن جهانی زرتشتیان WZC

در روزهای ۱۶، ۱۷، ۱۸ اکتبر ۲۰۰۹ پنجمین همایش انجمن جهانی زرتشتیان WZC در تالار مروارید گیو برگزار شد.

این همایش به میزبانی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا CZC با هدف مشارکت انجمن‌های زرتشتیان جهان در عضویت و فعالیت‌های این انجمن جهانی برپا گردید. پایگاه اصلی مرکز جهانی زرتشتیان در کشور فرانسه و در شهر پاریس قرار دارد.

در روز اول و دوم این همایش اساسنامه انجمن جهانی WZC مورد بررسی قرار گرفت و با ایجاد فضای جدیدی در آن، چندین انجمن زرتشتیان که در اروپا و آمریکا فعالیت دارند به سازمان جهانی زرتشتیان WZC پیوستند.

هم‌چنین به منظور انجام انتخابات برای انجمن مدبران ۷ منطقه از جهان، که در طرح مدیریت شبکه‌ای انجمن جهانی جای گرفته است، تصمیماتی برای سازماندهی انجمن‌های هفت گانه بر پایه اساسنامه انجمن جهانی گرفته شد.

در پسین روز ۱۷ اکتبر برنامه گرامی‌داشتی برای بانو مهرافزون فیروزگر و دکتر آبتین ساسانفر بنیانگذاران انجمن جهانی زرتشتیان برگزار گردید و به ایشان لوحه یادبود از سوی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا CZC اهدا شد.

در بامداد روز ۱۸ اکتبر اعضای انجمن جهانی در نیایش مانترایی روز یکشنبه در مهر ارباب رستم گیو حاضر شده و با دیگر باشندگان به گفتگو پرداخته ناهار دینی را که از میزهای خوراکی فراهم آمده بود، خوردند. ■

## کتاب‌هایی که در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا به فروش می‌رسند:

- «آموزش زرتشت، پیامبر ایران». از: تهمورس ستنا
- «در جستجوی راستی‌ها». به کوشش: فرنکیس کیخسرو شاهرخ
- «یاران هستی». از: برهان ابن یوسف
- «ضرب‌المثل‌ها و ادبیات برگزیده فارسی». از: اختر شجاع‌زادگان
- «پیام زرتشت». از: دکتر جعفری
- «گات‌ها، سروده‌های اهورایی زرتشت». از: دکتر خسرو خزایی (بردیس)
- «شاخ سخن». از: مهین بانو ترکمان اسدی
- «فرزانه». از: دکتر جعفری
- «بیست و یک نوشتار پژوهشی». از: اردشیر جهانیان
- «سواد آموزی و دبیری در دین زرتشت»
- «برما چه گذشت». از: جمشید پیشدادی

## سی‌دی‌هایی که به فروش می‌رسند

- «موسیقی و کلام زرتشتی». از: سیروس جهانی
- «تاریخ گویای دوران باستان، شاهنامه و تاریخ». به کوشش: مهندس امینی سام
- «آمرداد - سرود جشن‌های ایرانیان». از: خداداد کویایی
- «پر سور». از: گروه گات‌ها - کانادا
- «نماز - نیایش‌های سرزمین اهورایی»

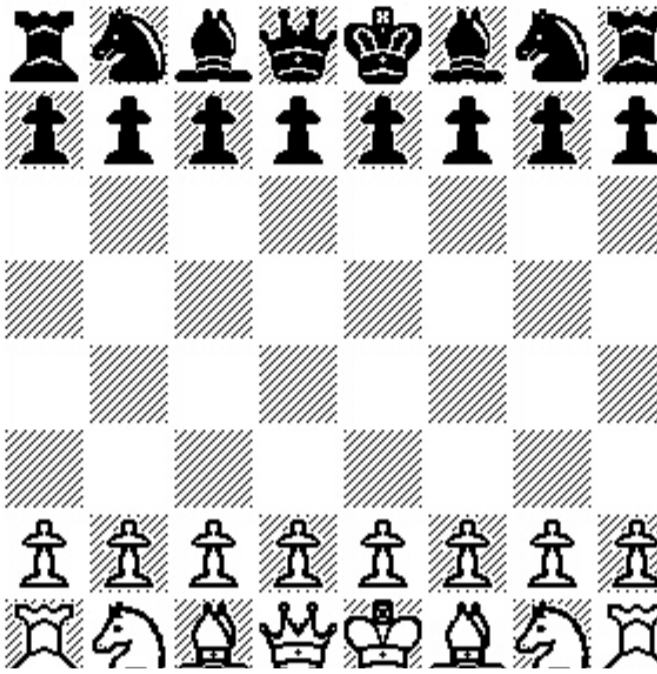
تلفن و یا نشانی الکترونیکی برای سفارش

(714) 893 - 4737

Info@CZC.org

## شطرنج

هوشنگ مهر خداوندی



اسب‌ها به صورت L حرکت می‌کنند و برای گرفتن مهره‌های حریف هم همانطور عمل می‌کنند.

فیل‌ها بصورت قطری حرکت می‌کنند و همانطور مهره‌های حریف را می‌گیرند.

رخ‌ها بصورت خط مستقیم حرکت می‌کنند.

وزیر (قوی‌ترین مهره بازی) هم بصورت رخ و هم به شیوه فیل می‌تواند حرکت کند.

شاه هر نوبت می‌تواند یک خانه حرکت کند، به استثناء قلعه رفتن که می‌تواند ۲ خانه به چپ و یا راست حرکت نماید.

**ارزش مهره‌ها:** از خاطر نبریم که هر مهره در موقعیت‌های مختلف می‌تواند دارای ارزش‌های متفاوتی باشند، ولی بطور کلی اگر پیاده دارای ارزش یک باشد اسب و فیل هر کدام دارای ارزش، رخ ۵ و وزیر دارای ارزش ۱۱ می‌باشند. البته ۲ رخ دارای ارزش ۱۳ می‌باشند، ۲ فیل ارزش ۱۰ را خواهند داشت و ۲ پیاده متصل به هم در ردیف ششم دارای ارزش ۱۱ می‌باشند.

**هدف بازی:** بر اساس داستان‌ها و نوشته‌های گوناگون صفحه شطرنج را به صفحه نبرد ۲ کشور در نظر گرفته‌اند که هدف هر کدام از آن دو کشور پیروزی در نبرد و از بین بردن رهبر کشور دیگر می‌باشد.

به همین منظور نتیجه بازی بصورت برد و باخت و یا مساوی خواهد بود. هریک از بازیکنان سعی خواهند کرد (بنا به شرایط)، برتری چه از نظر مهره‌ای و یا موقعیتی بدست آورد تا بتواند شاه حریف را در تنگنا قرار داده و موجب تسلیم شدن آن گردد.

در نوشته‌های آینده در این مورد بیشتر گفتگو خواهد شد.

برای هرچه بهتر کردن این سری مقاله‌ها به کمک شما عزیزان خواننده نیاز داریم تا با توجهات خود نظرات و سئوالات خود را با ما در میان گذاشته و بدینوسیله موجب هرچه بهتر شدن مطالب باشید و برای این منظور می‌توانید با شماره تلفن دفتر و یا از طریق سردبیر روزنامه با اینجانب تماس بگیرید. ■

برای هرچه بهتر کردن این سری مقاله‌ها به کمک شما عزیزان خواننده نیاز داریم تا با توجهات خود نظرات و سئوالات خود را با ما در میان گذاشته و بدینوسیله موجب هرچه بهتر شدن مطالب باشید و برای این منظور می‌توانید با شماره تلفن دفتر و یا از طریق سردبیر روزنامه با اینجانب تماس بگیرید. ■

با سپاس از سردبیر محترم روزنامه وزین ماهنامه زرتشتیان که به من این فرصت را داده‌اند که نوشتاری درباره شطرنج بنویسم، موضوع‌های گوناگون را درباره این بازی فکری به آگاهی همکیشان خواهم رساند.

بنا به روایات مختلف، شطرنج در هندوستان اختراع شد و توسط ایرانیان طرز بازی آن کشف گردید.

صفحه شطرنج متشکل از ۶۴ خانه می‌باشد که به دو رنگ مختلف تقسیم شده است.

شماره گذاری صفحه از A تا H و از ۱ تا ۸ می‌باشد.

همیشه در نظر داشته باشید که شاه سفید در خانه ۱ E قرار دارد و مهره‌های دیگر در کنار شاه قرار خواهند گرفت.

خوانندگان روزنامه دارای توانائی‌های مختلف در زمینه شطرنج می‌باشند، بنابراین قسمت اول این مقاله‌ها به توضیح مختصری درباره مهره‌ها و طرز حرکت آنها اختصاص می‌یابد.

مهره‌های شطرنج متشکل از ۲ رخ، ۲ اسب، ۲ فیل، یک وزیر، یک شاه و تعداد ۸ سرباز (پیاده) می‌باشد.

رخ‌ها در خانه‌های A ۱، A ۸، H ۱ و H ۸ قرار خواهند گرفت. اسب‌ها در خانه B ۱، B ۸، G ۱ و G ۸ قرار خواهند گرفت.

فیل‌ها در خانه‌های C ۱ و C ۸، F ۱ و F ۸ قرار خواهند گرفت. دو وزیر در دو خانه D ۱ و D ۸ و دو شاه بترتیب در خانه‌های E ۱ و E ۸ خواهند بود.

پیاده‌ها (سربازان) در دو ردیف ۲ و ۷ قرار خواهند گرفت.

طرز حرکت مهره‌ها: پیاده‌ها، خانه به خانه به جلو حرکت می‌کنند. به استثناء اولین حرکت که می‌تواند ۲ خانه به جلو بروند و برای از بین بردن مهره حریف بصورت ضربدری حرکت می‌کنند.

کبرییت افقی را نصف بطرف چپ بکشانید. کبرییت بالای راست به پایین چپ.

۳-۴۱

۴-۸ خاج

۵-هر ۴ سکه روی یک خط ستاره

۶-۲ پر هستند.

۷-۵۵

۸-۴۷۷

۹-۳:۲۴ بامداد.

### حل سرگرمی شماره ۱۳

1.Rcc7 Nxb3 [1...Nb5

2.Rc5#; 1...Nc6

2.Red7#; 1...Nc2 2.b4#;

1...Ne6 2.Red7#; 1...Ne2

2.Qxh5#; 1...Nf5

2.Re5#; 1...Nf3 2.Qe4#;

1...Bxb3 2.Nc3#; 1...e2

2.Nc3#; 1...Rh6 2.Nc3#;

1...Rc5 2.Rxc5#1...Rxa4

2.Rc5#; 1...Rxh7

2.Nc3#;] 2.Qd3#

۲- کبرییت افقی را نصف بطرف

چپ بکشانید. کبرییت بالای

راست به پایین چپ.

۳-۴۱

۴-۸ خاج

۵-هر ۴ سکه روی یک خط ستاره

۶-۲ پر هستند.

۷-۵۵

۸-۴۷۷

۹-۳:۲۴ بامداد.

# The U.S. 2010 Census

The U.S. Constitution requires a national census once every 10 years to count the population and determine the number of seats each state will have in the U.S. House of Representatives. All U.S. residents must be counted—people of all races and ethnic groups, both citizens and non-citizens.

Census questionnaires will be delivered or mailed to households via U.S. mail in March 2010; many households will receive a replacement questionnaire in early April. Census workers also will visit households that do not return questionnaires.

The Importance of Census Data will directly affect the quality of life in your community. 2010 Census questionnaire language assistance would available in California Zoroastrian Center for assist those unable to read or understand the questionnaire.

هم میهنان گرامی، سال ۲۰۱۰ سال گرفتن آمار و سرشماری ست. شرکت در این سرشماری نقش مستقیم در

کیفیت زندگی شما

دارد. پس هرگاه

نامه‌ای از طرف

اداره آمار دولت

ایالات متحده

آمریکا دریافت

کردید به آن توجه

کرده و آنر پر کرده

و پس بفرستید.

اگر در پر کردن نامه به کمک احتیاج باشد، از طرف اداره

آمار «در مهر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا» به شما کمک

خواهد شد. تاریخ آن به آگاهی رسانده خواهد گردید.



8952 Hazard Avenue Westminster CA 92683

714-893-4737 info@cZc.org

## آخرین گزارش از:

## سرستون ساسانی اصفهان

گزارشی تازه از سرستون ساسانی اصفهان  
از: شاهین سپنتا



تصویر شاهنشاه که بر روی سرستون نقش شده است.



سرستون ساسانی اصفهان پیش تر به صورت وارونه در گوشه باغ چهلستون بود.



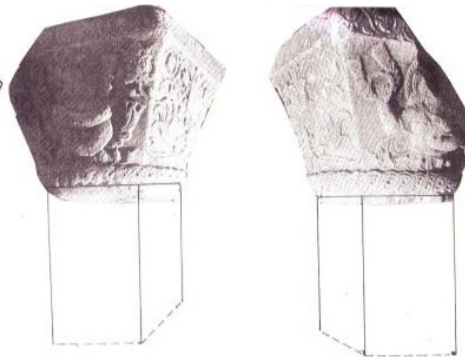
بیکر ناهید روی سرستون از اصفهان



طرحی از آناهیتا بر روی سرستون ساسانی اصفهان



طرحی از نگاره آناهیتا بر سرستون، برگرفته از «جستار درباره مهر و ناهید»



نحوه قرار گرفتن سرستون بر روی ستون

بودن» آن شده بود. در این مورد باید چند نکته را یادآور شد. نخست آن که؛ تا کنون دیده نشده که تصویری از شاهنشاه و آناهیتا در روی پایه ستون نقش شده باشد و این موضوع هم از نظر عقلی و هم نظر اصول معماری ایرانی پذیرفتنی نیست. دوم این که؛ اگر بخواهیم بپذیریم که این سنگ سازه «پایه ستون» است، پس برای آن که روی زمین استوار بماند باید قاعده بزرگ تر را روی زمین قرار دهیم که به این ترتیب باید تصور کنیم که طراحان آن، نگاره های شاهنشاه و آناهیتا را وارونه روی سازه نقش کرده اند که این هم بعید به نظر می رسد. افزون بر این، طرح ساده ای که دکتر جعفری زند ارائه نمود، به روشنی نحوه قرار گرفتن این سرستون بر روی ستون را نشان می دهد. ■

پس از انتشار گزارشی درباره وضعیت نگران کننده سنگ سازه های تاریخی اصفهان که در گوشه ای از باغ چهلستون در بدترین شرایط به حال خود رها شده اند و به ویژه ابراز نگرانی از سرنوشت سرستون ساسانی اصفهان، مهندس مهدی رازانی کارشناس مرمت اشیاء فرهنگی و تاریخی، برای یافتن اطلاعاتی از وضعیت این سرستون به تکاپو پرداخت و نتیجه این پی گیری ها را چنین بیان نمود: «من از دوستان اران میراث فرهنگی که دلسوزی و علاقه مندی آن ها باعث بالا رفتن درک و حساسیت های عمومی نسبت به ارزش های آثار و ابنیه تاریخی می گردد، سپاسگزارم.

انتشار گزارشی درباره وضعیت سرستون ساسانی اصفهان، حساسیت های بسیاری از علاقمندان به هنر و میراث فرهنگی را که پیش از این، از غم به تاراج رفتن آثار ملی دیگری همچون آثار فلزی غار کلمانکره لرستان در اواسط دهه ۷۰، سنگ های صابونی تمدن جیرفت مابین سال ۸۱-۱۳۷۹ و اخیراً سرسرباز هخامنشی و فروش آن در حراج های بین المللی، آزرده خاطر شده بودند، برانگیخت.

از این روی وضعیت امروزی سرستون را از برخی مسئولین امر از جمله سرکار خانم فاتحی مدیرموزه چهلستون جويا شدم که به گفته وی سرستون ساسانی نگهداری شده در کاخ چهلستون پس از شرکت در نمایشگاهی در خارج از کشور دوباره به کاخ چهلستون بازگشته است و در محوطه داخلی کاخ قرار دارد و طبق گفته های وی قرار است به زودی در ایوان غربی کاخ به همراه دیگر سنگ های تاریخی موجود در باغ، ساماندهی و به نمایش گذاشته شود و به خاطر آن که تا پیش از آغاز طرح ساماندهی، این اثر دوباره به گوشه باغ باز نگردد، هنوز بسته بندی آن باز نشده است.»

سرستون ساسانی اصفهان، سنگ سازه ای با ارتفاع ۶۸ سانتیمتر است که بر یک رویه آن نگاره ای از نیم تنه شاهنشاه ساسانی، و در سمت دیگر نقشی از آناهیتا دیده می شود. دو ضلع دیگر آن نیز دارای نقش هایی از گل و بوته می باشد. قسمتی که نقش آناهیتا را بر خود جای داده، شکسته شده و صورت نقش را از میان برده اند ولی قسمتی از موهای او که بر شانه ریخته و هاله ای که بر گرد او قرار دارد، هنوز دیده می شود. هاله دور سر او عبارت است از دو دایره تو در تو که نقش زبانه های آتش بر خود دارد.

به عقیده دکتر علیرضا جعفری زند، باستان شناس، این هاله در نمونه سرستون موزه ایران باستان و نمونه های طاق بستان و هیچ نقش برجسته شناخته شده دوره ساسانی، تا کنون دیده نشده است و در واقع منحصر به فرد است.

دکتر جعفری زند در کتاب «اصفهان پیش از اسلام» طرح هایی از نگاره های شاهنشاه ساسانی و آناهیتا بر سرستون ساسانی اصفهان ارائه می دهد:

دکتر محمد مقدم نیز در کتاب «جستار درباره مهر و ناهید» طرحی کامل شده از همین نگاره آناهیتا در سرستون ساسانی اصفهان را به نقل از Herzfeld ارائه می کند که به نظر می رسد برای جبران اشتباه چاپخانه باید آن را با گردش از راست به چپ نگاه کنیم تا دقیقاً با نگاره روی سرستون منطبق باشد.

نکته دیگر این که، به تازگی اظهار نظر نادرستی درباره این اثر تاریخی منتشر شد که سرستون بودن آن را منکر شده و بدون ارائه دلایل و شواهد، مدعی «پایه ستون

# مهدی دهقان یزدی و همکاران

متخصص فروش خانه های حراجی در جنوب کالیفرنیا



**خرید و فروش  
املاک مسکونی  
Income Property  
با کمترین هزینه.**

شخصاً  
مبلغ خرید و فروش منزل  
شما را در هر گجای دنیا به  
شما تحویل می دهیم

www.MaxMehdi.com  
maxmehdi@hotmail.com  
**949.307.4330**



# پاسداشت زبان پارسی

شادی آریابد

کارشناس ارشد زبان‌های باستان

خاستگاه نژاد آریا در اوستا «اثر پریا نم ونجو» آمده است که در زبان پهلوی ایرانویج گفته می‌شود. ایرانویج از دو بخش «ایران» به چم (معنی) آزاده و «ویج» به چم (نژاد) می‌باشد. جایگاه ایران ویج در وندیداد که بخشی از اوستا است چنین آمده است:

«نخستین سرزمین و کشور نیکی که من اهورامزدا آفریدم ایرانویج بود که بر کرانه رود ونگه‌ویتی داییتی» است. در آنجا ده ماه زمستان است و دو ماه تابستان. در این ماه‌ها برای آب و زمین و گیاه سرد است. آنجا مرکز زمستان است. آنجا قلب زمین است.»

با رویکرد به اینکه در نوشته‌های پهلوی واژه ونگه‌ویتی داییتی همان وهرود است و در جای دیگر آمده است که «وهرود» رود جیحون است و نیز در وندیداد در بهرستی (فهرستی) از شهرها و سرزمین‌ها برشمرده می‌شود که در آغاز آن ایرانویج و سپس سند و مرو و بلخ و تیس و هرات آورده شده است، و در این میان یک دانش گیتی‌شناسی (نظم جغرافیائی) دیده می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت که ایران ویج یا خاستگاه آریا در خوارزم بوده است تا اینکه از سر سرد شدن ناگهانی هوا و زیاد شدن شمارش مردمان و خشک شدن چراگاه‌ها و از سویی فشار تیره‌های زردپوست باختری (شمالی) همگی شونده‌ی (دلیلی) برای کوچ آریاییان فراهم نموده، و این کوچ چندین بار در سده‌های پیاپی انجام گرفت و گروهی از آنان به سوی خورای (شرق) که تیره‌های هند ایرانی از آن دسته‌اند و گروهی دیگر بسوی خوربر (غرب) روانه شدند که نیاکان تیره‌های اروپایی به شمار می‌روند.

گذرگاه این نژاد را می‌توان از روی نشانه‌سپندیه (مقدس) آریاییان که گردونه مهر (صلیب شکسته) است شناسایی نمود. آریاییان به هنگام کوچ روی پیشانی اورال این نگاره را کاوش می‌کردند تا اینکه کوچندگان با دیدن این نشانه بتوانند راه خود را به دنبال گروه‌های پیشین دنبال کنند.

تیره‌های آریایی پیش از جدایی دارای زبان، فرهنگ و آیین‌های یکسانی بودند. ولی در همان آغاز کوچ، میان آنان پراکنندگی رخ داد و به شونده دور افتادن از هم و نیز ویژگی فرهنگی و هازمانی (اجتماعی) و وایسپهری (جوی) سرزمین‌هایی که در آن جا گرفتند، رفته رفته زبان‌هایشان از هم جدا شده و هریک به گونه‌ای دیگر در آمد، تا اینکه در سده‌های کنونی اروپاییان برای پیوند بازرگانی با خورای (شرق) به ویژه هندوستان به بررسی و پژوهش در زبان این مردمان پرداختند و آشکار شد که زبان مردم هندو اروپا از یک آبشخور آب خورده است و از یک بن و ریشه است. به همین روی آنرا زبان‌های هند و اروپایی نام نهادند. سپس پژوهشی در زبان‌های پارسی باستان - اوستایی - پهلوی و فارسی دری آغاز گردید تا اینکه روشن شد زبان‌های ایرانی و هندی بسیار نزدیک‌تر از زبان‌های اروپایی و هندی است و تمام این زبان‌ها از ریشه یکسانی برخوردارند، سپس شاخه دیگری از این زبان را زبان‌های هند و ایرانی نام نهادند که همگی آنها از زبان مادری به نام زبان «آریا» گرفته است. به گونه‌ای که در نگاه نخست نمی‌توان پی به ریشه یکسان آنها برد، چنانچه برای نمونه بلوچ، به آهن می‌گوید «اسن» و کردستانی آنرا «اسن» می‌نامد و روستایی دامغانی آنرا «آهن» می‌گوید و در گویش خراسانی «آهن» گفته می‌شود که ریشه این واژه «سن» و «اسن» پهلوی است که همگی از ریشه اوستایی و پارسی باستان «ستین» و «اسن» برآمده‌اند. این واژه در سنسکریت نیز همسنگ و برابر واژه اوستایی آن است که در زبان آلمانی «ایسن» فراگو (تلفظ) می‌شود و به زبان

وابسته به یک یا دو رشته از دانش و فرهنگ نیست. از دانش‌های مردمیک (علوم انسانی) گرفته تا نام‌ها و نمودک‌های (فرمول‌های) رازومر (ریاضی) که نوآموزان و دانش‌آموزان باید بدون دریافتی از آنها، رنج فراوان را به جان بخرند تا به زور بر زبان آورند و ندانسته از بر کنند. از بحر هزج تا مثلث‌های متساوی‌الاضلاع، قائم‌الزاویه و ذوالزنگه تا بیضی که مساحت آن مساوی است با حاصل ضرب نصف قطر اقصا تا نصف قطر اطول در عدد پی، از واژگانی که میان دادگستری چیان و معاملات قطعی که با اسقاط کافه‌ی خیارات و غبونات من جمیع الجهات از یکدیگر انجام می‌شود تا خسوف و کسوف که سد بار از بر می‌کنند و سرانجام نخواهند دانست که کدام ماه گرفته بود و کدام خورشید گرفت. آری، آنچه از رهگذر تازش توده وار واژه‌های تازی برای ما به جا مانده همان است که فرزانه‌ی توس فردوسی بزرگ به چامه در آورده:

ز دهقان و از ترک و از تازیان  
پدید آید اندر میان  
نه دهقان و نه ترک و نه تازی بود  
سخن‌ها به کردار بازی بود

این گنج بزرگ ایرانی را که والاترین و فرهمندترین اندیشه‌های مشیایی (انسانی) را در پر بارترین واژه‌ها به جهان پیشکش شده است را دریابیم و با آن زندگی کنیم و این شدنی نیست مگر آنکه زبان نیاکانی خود را نیک بیاموزیم و به جای واژه‌های بیگانه و بیمارگونه‌ی (مجوز، مرجوم، رجوع و...) از واژه‌های زیباتر و رساتر (رواگشت، زنده یاد، بازگشت و...) بهره ببریم. همانگونه که زمانی واژه «فتح میت» جای خود را به واژه کالبد گشایی داد و یا واژه «آفرین» به جای واژه «بارک‌الله» بکار گرفته شد.

امروز بی‌گمان ما ایرانی (درود بر شما) را از (سلام‌العلیکم) خوشتر خواهیم داشت. باشد که بکار رود. ■

بن مایه‌ها:

اوستا (وندیداد)، جلیل دوستخواه  
فرهنگ پهلوی، مکنزی، برگردان میرفخرائی

انگلیسی «ایرن» می‌گویند.  
یا برای نمونه فرانسوی می‌گویند: «تو - ا - مون - پر».  
خراسانی می‌گویند: «تو - ای - پیر - مو» به چم «تو پدر من هستی».

یا اصفهانی می‌گویند «کی - اس»،  
و فرانسوی می‌گویند: «کس»،  
و ورامینی می‌گویند: «کیه»،  
و ایتالیایی می‌گویند: «کیه» به چم «کیست».

انگلیسی می‌گویند: «مای - برادر»،  
فرانسوی می‌گویند: «مون - فرر»، گیلانی و تبرستانی می‌گویند: «می - برر»،  
و خراسانی می‌گویند: «برار - مو» به چم «برادر من».

این همسانی و برابری تنها در واژگان دیده نمی‌شود و نکته (بلکه) در کار واژه (فعل) بند (قید) و گونواژه (صفت) انگلیسی می‌بینیم که دستور آن در زبان پارسی یا پهلوی و یا اوستایی است. به همین روی است که استاد «هارولد والتر بیلی» مهتر (رئیس) انجمن واژه‌شناسی انگلستان در این باره می‌گوید:

«زبان‌های هند اروپایی، در طی قرون مختلف از چین (زبان ایرانی در دوره مغولان حتی در پکن هم بوسیله آنان گفتگو می‌شد) تا جزایر ایرلند بدان‌ها گفتگو می‌کردند... بنابراین یک دانشجوی انگلیسی هم که بخواید زبان مادری خود را نیک تحصیل کند باید از کتیبه‌های فارسی باستان اطلاعاتی بدست آورد.»

(میراث ایران، نوشته ۱۳ تن خاورشناس، برگردان محمد معین رویه ۲۸۷)

به راستی زبانی که اکنون داریم، زبانی است به نام زبان فارسی با انبوهی از واژه‌های نادرست تازی (عربی) آن هم واژه‌هایی که نه در زبان تازی جایگاه درستی دارند و نه در زبان پارسی.

واژه‌های تازی در زبان پارسی به شیوه کاپیتالاسیون رفتار می‌کنند. آنها در کشور پارسی به سر می‌برند، ولی در کاربرد از آیین کشور تازی پیروی می‌کنند و سازمان آوایی و دستوری ما را در هم می‌ریزند و واژگان آنرا گیج، سر به هوا و هنجارشکن بار می‌آورند.

زبان تازی، زبانی است گسسته (اشتقاقی) و زبان پارسی زبانی است پیوندی. از این روی واژه‌های این دو زبان نمی‌توانند در کنار هم جای گیرند و همکاری کنند.

سخن نه بر سر زشتی زبان تازی و نه زیبایی زبان پارسی است، سخن بر سر جوش نخوردنی بودن این دو با یکدیگر است و اگر به درستی دریابیم که زبان و اندیشه پشت و روی یک پارک‌اند (سکه‌اند) و هر دو پیشرفت دهنده‌ی دانش و منش مردمیک (آدمی) می‌باشد، دانسته خواهد شد که زبان نیز به چه اندازه به پیشرفت اندیشه و در پی آن خرد، دانش و فرهنگ مردمان یاری می‌رساند. کنون آنکه بودن واژه‌های تازی و تنگ شدن پهنه بر زبان پارسی از گزند رنجش آنها



چاپ کتاب،  
سالنما  
با بهترین کیفیت و  
کمترین بها

شرکت چاپ آنلیمیتد

Tel: (818) 854 - 6323

Fax: (818) 854 - 6325

Email: Unlimitedprinting@yahoo.com

## انیشترین سر سفره هفت سین دکتر حسابی

به نقل از کتاب خاطرات و به یاد دکتر ایرج حسابی

در زمان تدریس در دانشگاه پرینستون، دکتر حسابی تصمیم می‌گیرند سفره‌ی هفت سین برای انیشترین و جمعی از بزرگترین دانشمندان دنیا از جمله «بور»، «فرمی»، «شوریندگر» «دیراک» و دیگر استادان دانشگاه بچینند و ایشان را برای سال نو دعوت کنند.

آقای دکتر خودشان کارت‌های دعوت را طراحی می‌کنند و حاشیه‌ی آن را با گل‌های نیلوفر که زیر ستون‌های تخت جمشید هست تزئین می‌کنند، و منشأ و مفهوم این گل‌ها را هم توضیح می‌دهند. چون می‌دانستند وقتی ریشه مشخص شود برای طرف مقابل دلدادگی ایجاد می‌کند.

دکتر می‌گفت:

«برای همه کارت دعوت فرستادم و چون می‌دانستم انیشترین بدون ویالونش جایی نمی‌رود، تأکید کردم که سازش را هم با خود بیاورد.»

همه سر وقت آمدند، اما انیشترین ۲۰ دقیقه دیرتر آمد و گفت، چون خواهرم را خیلی دوست دارم، خواستم او هم جشن سال نو ایرانیان را ببیند.

من فوراً یک شمع به شمع‌های روشن اضافه کردم و برای انیشترین توضیح دادم که ما در آغاز سال نو به تعداد اعضای خانواده شمع روشن می‌کنیم و این شمع را هم برای خواهر شما اضافه کردم.

به هر حال بعد از یک سری صحبت‌های عمومی، انیشترین از من خواست که با دمیدن و خاموش کردن شمع‌ها جشن را شروع کنم. من در پاسخ او گفتم:

«ایرانی‌ها در طول تمدن ۱۰ هزار ساله شان حرمت نور و روشنایی را نگه داشته‌اند و از آن پاسداری کرده‌اند. برای ما ایرانی‌ها شمع نهاد زندگیست. و ما معتقدیم که زندگی در دست خداست و تنها او می‌تواند این شعله را خاموش کند یا روشن نگه دارد.»



دیگر بنوازند. پس از پایان این قطعه که عمداً بلندتر انتخاب شده بود، انیشترین که چشم‌هایش را بسته بود، چشم‌هایش را باز کرد و گفت: «دقیقاً من هم همین را برداشت کردم.» و بعد بلند شد تا سفره هفت سین را ببیند.

آقای دکتر تمام وسایل آزمایشگاه فیزیک را که نام آنها با «س» شروع می‌شد توی سفره چیده بود و یک تکه چمن همه از باغبان دانشگاه پرینستون گرفته بود. بعد توضیح می‌دهد که این در واقع هفت چین یعنی هفت انتخاب بوده است. تنها سبزه، «س» شروع می‌شود به نشانه‌ی رویش. ماهی با «م»، «به نشانه‌ی جنبش»، آینه با «آ»، «به نشانه‌ی یکرنگی»، شمع با «ش»، «به نشانه‌ی فروغ زندگی»

و... همه متعجب می‌شوند و انیشترین می‌گوید: «آداب و سنن شما چه چیزهایی را از دوستی، احترام و حقوق بشر و حفظ محیط زیست به شما یاد می‌دهد. آن هم در زمانی که دنیا هنوز این حرف‌ها را نمی‌زد و نخبگانی مثل انیشترین، بور، فرمی و دیراک این مفاهیم عمیق را درک می‌کردند.»

بعد یک کاسه آب روی میز گذاشته بودند و یک نارنج داخل آب قرار داده بودند.

آقای دکتر برای مهمانان توضیح می‌دهند که این کاسه ۱۰ هزار سال قدمت دارد. آب نشانه‌ی فضاست و نارنج نشانه‌ی کره‌ی زمین است و این بیانگر تعلیق کره زمین در فضاست.

انیشترین رنگش می‌پرد. عقب عقب می‌رود و روی صندلی می‌افتد و حالش بد می‌شود. از او می‌پرسند که چه اتفاقی افتاده؟ می‌گوید:

«ما در مملکت خودمان ۲۰۰ سال پیش دانشمندی داشتیم که وقتی این حرف را زد، کلیسا او را به مرگ محکوم کرد، اما شما ۱۰ هزار سال پیش این مطلب را به زیبایی به فرزندانتان آموزش داده‌اید. علم شما کجا و علم ما کجا؟!»

خیلی جالب است که آدم به بهانه‌ی نوروز فرهنگ و اعتبار ملی خویش را به جهانیان معرفی کند... ■

آقای دکتر می‌خواست اتصال به این تمدن را حفظ کند و می‌گفت بعدها انیشترین به من گفت:

«وقتی برمی‌گشتم به خواهرم گفتم، حالا می‌فهمم معنی یک تمدن ۱۰ هزار ساله چیست. ما برای کریسمس به جنگل می‌رویم، درخت قطع می‌کنیم و بعد با گل‌های مصنوعی آن را زینت می‌دهیم، اما وقتی از جشن سال نو ایرانی‌ها برمی‌گردیم همه درخت‌ها سبزند و در کنار خیابان گل و سبزه روییده است.»

بالاخره آقای دکتر جشن نوروز را با خواندن دعای تحویل سال آغاز می‌کنند و بعد این دعا را تحلیل و تفسیر می‌کنند. به گفته‌ی ایشان همه در آن جلسه از معانی این دعا و معانی ارزشمندی که در تعالیم مذهبی ماست، شگفت زده شده بودند.

بعد با شیرینی‌های محلی از مهمانان پذیرایی می‌کنند و کوک ویلون انیشترین را عوض می‌کنند، و یک آهنگ ایرانی می‌نوازند. همه از این آوا متعجب می‌شوند و از آقای دکتر توضیح می‌خواهند. ایشان می‌گویند: موسیقی ایرانی یک فلسفه، یک طرز تفکر و بیان امید و آرزوست. انیشترین از آقای دکتر می‌خواهند که قطعه‌ی

**رستوران  
حاتم**

در جایی گرم و خانوادگی  
با خوراکی‌های خوشمزه‌ی ایرانی

سپارش خوراک برای میهمانی‌ها و همایش‌های شما  
با بهای ارزان

**HATAM RESTAURANT**  
1112 N. BROOKHURST #6  
ANAHEIM, CA 92801  
(714) 991-6262

**ماهنامه زرتشتیان**

**آگهی می‌پذیرد**

تلفن

**۷۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷**

«آشو زرتشت اسپنتمان»، هرگاه این نام را بر زبان جاری می‌کنم، غرور و افتخار سراسر وجودم را می‌گیرد. انگار که گم گشته خود را می‌یابم. تو گویی آتشی در رگ‌هایم بجای خون جاریست و با بردن این نام در درون وجودم زبانه می‌کشد، و نام او را فریاد می‌زند...  
چه بسیار افرادی که در درازای تاریخ در عشق این نام سوختند و چه بسیار مردمانی که با تحمل هزاران رنج کوشیدند این نام عزیز را زنده نگه دارند.  
آتش ورهرام زبانه بکش، زیرا که ما زنده‌ایم. اندیشه مزدبسنی زنده است. این سرزمین اهورایی زنده است، و من زنده‌ام و می‌اندیشم...

### نخواهی که باشد دلت دردمند

**دل دردمندان برآور ز بند ره نیک زرتشت آزاده گیر**

سیمای آن و خشور همواره در هاله‌ای رازآمیز در پس پرده تاریخ ایران و جهان پنهان مانده است، فرزانه‌ای که از یک سو فرهنگ ودایی و اوستایی را فراز بخشید و از سوی دیگر، دانشمندان یونانی در پیشگاهش شاگردوار، زانو زدند. دامنه دیدگاه‌های او در درازای تاریخ، فرهیختگانی چون فردوسی، حافظ، سهروردی، ملاصدرا، پورسینا و... را در برگرفت و فروزه‌هایش به گونه‌ای بس شگفت‌انگیز در تند باد زمانه همچنان روشنی بخش دانشمندان ماند.

آن نابغه بی‌همتا که بی‌شک باید وی را بنیانگذار اخلاقیات، فلسفه، عرفان و حتی شعر بشمار آورد. وی از دانش و بینش چنان ژرفی برخوردار بود که جهان شرق تا غرب، همه جا او را «حکیم» خوانده‌اند. از فیثاغورث تا افلاتون، تا هگل و نیچه، ستایشگر وی بودند.

اما به راستی او کیست؟ آیا همان انسان سخت‌کوشی است که گاتها به ما نشان می‌دهد؟

مردی که با تحمل سختی‌ها و مرارت‌های فراوان در راه بیدار کردن وجدان خفته‌ی مردمان جهان قدم برمی‌دارد. همان پولاد مردی که یک تنه با سیاهی جهل و پندارهای اهریمنی به پیکار برمی‌خیزد و آتش خردگرایی را در اندیشه انسان‌ها فروزان می‌کند.

زندگی راستین پیامبران را همیشه هاله‌ای از اسطوره فرا می‌گیرد، هر چند در خلال اسطوره‌ها، حقیقت‌های فراوانی نهفته است. افسانه‌ها به تدریج بر گرد زندگی‌نامه واقعی حلقه می‌زنند و کم‌کم زندگی اساطیری را می‌سازد.

این شکل‌گیری ممکن است در همان دوران زندگی پیامبر و یا در سال‌هایی که چندین دور از زمان او یا در سده‌های بعدتر انجام گرفته باشد، زندگی اشو زرتشت نیز چنین مراحل را گذرانده است.

اسطوره، داستانی است سرشار از نمادهای آیینی و رمزی، به ویژه نمایه‌های کیهانی. برای نمونه ماه و خورشید و ستارگان و دیگر چهره‌های جهان هستی به سان انسان در می‌آیند و در پهنه پندارها، به نقش آفرینی می‌پردازد. گاهی هم به گونه‌ای وارونه، این انسان‌های زمینی هستند که به سیمای نیروهای آسمانی نمودار می‌شوند.

تا کنون هیچ چهره‌ای مانند اشو زرتشت این چنین سرشار از اسطوره‌پردازی نبوده است.

### سیمای اشو زرتشت

#### در بخش‌های گوناگون اوستا و نامه‌های پهلوی:

زرتشت پاک دیو ستیز... نیرومندترین، دلیرترین، تخشترین، چالاک‌ترین و پیروزترین آفریدگار [یسنا ۹ بند ۱۵ و ۱۳] که در جهان خواستار راستی شد [یسنا ۹ بند ۱۵ و ۱۳]

## سیمای آموزگار راستی

### کنکاشی در سیمای و خشور ایران،

### آنگونه که از متون دینی برمی‌تابد

#### پژوهش و نگارش: فرید شولی زاده

۲۴، بند ۵] رد (راهبر) جهان استومند (مادری) [آبان یشت ۸۹] نگاهبان مردمان [تیر یشت ۴۴].

نخستین کسی که نیک اندیشید، نیک سخن گفت و نیک رفتار کرد. نخستین آتوربان، ارتشتار، برزیگر ستورپرور. نخستین کسی که بیاموخت و بیاموزاند. نخستین کسی که ستور (جاندران) را، اشته را، مانترای ورجاوند را و فرمانبرداری از آن را شهریاری مینوی را، و همه نهادهای نیک مزدا آفریده را که از آن اشته است، برای خود پذیرفت و دریافت...

نخستین کسی که از دیو روی گردانید و مردمان را بالانید. نخستین کسی که در جهان استومند (اشم و هو...) را خواند دیوان را نفرین کرد و خستو (معترف) شد که مزدا پرست، زرتشتی، دیو ستیز و اهورائی کیش است. اوست نخستین کسی که در جهان استومند سخنی را که در دین اهورا به زیان دیوان است، برخواند.

اوست پهلوان سراسر زندگی خوش و نخستین آموزگار سرزمین‌ها، به دستگیری او، همه مانترای ورجاوند که در سرود (اشم و هو) ست، آشکار شد.

اوست رد جهانی و مینوی گیتی. اوست ستایشگر اشته که بزرگ‌ترین و بهترین و نیکوترین نهاد است. اوست پیام‌آور دینی که بهترین همه دنیاست... نیکخواه‌ترین، شکوهمندترین، فرهنگ‌ترین، برزنده‌ترین ستودنی، به نیایش: سزاوارترین، بهترین شهریار آفریدگان، شایسته‌ترین آفریده‌ای که خشنودی وی خواسته شود [فروردین یشت ۸۸ تا ۹۱ و ۱۵۲]. که دینی اندیشید، دینی سخن گفت و دینی رفتار کرد... پیش از او آشکارا دیوان در این زمین در گردش بودند. آشکارا کامروا می‌شدند، آشکارا زنان را از مردان می‌ربودند و زاری کنندگان را می‌آزردند [اشتاد یشت ۷۹ و ۸۰].

زرتشت، درویشان را پرستاری کرد... هرگز دیوها در گفتار زرتشت ستوده نشدند. [گزیده‌های زاتسپرم ۳۱].

همانگونه که او رد برگزیده و آرمانی جهان (اهو) است، رد مینوی (رتو) و بنیادگذار کردارها و اندیشه‌های نیک زندگانی در راه مزداست. اهوراست که او را به نگاهبانی درویشان برگماشت [سراغاز یسنا، بند ۳]. دین مزدا پرستی و داد (قانون) زرتشت از همه نهادهای نیک و عاشقانه (اشه نژاد) پذیرفتنی تر است. [سروش یشت‌ها دخت، ۳].

اندیشه‌اش فراخ‌تر از همه جهان بود. برتر از هر چیز گیتی. هوش داشت که با نیروی آن، همه چیز را بازمی‌شناخت. یادی که با نیروی آن، همه چیز را درمی‌یافت. خردی که می‌توانست با آن همه چیز را تشخیص دهد. جانی که از بسیاری چیزها پاسداری می‌کرد. فره کیانی و فره هیربدان و میل فراوان به پارسایی داشت. در دلاوری، برتر بود و تنی زیبا و نیرومند داشت... پر ارج‌ترین و مقدس‌ترین و آگاه‌ترین. تن را از نشانه بد، آرزو و شهوت، آرز و نیاز، خواب زیاد، خودخواهی و فریفتاری، کین ورزی و غیبت به دور می‌داشت.

آفریدگار اومزد را می‌شناخت. اندیشه نیک را پیراسته می‌کرد و از آنچه به او می‌رسید خرسند بود. از گذرا بودن مال گیتی، آگاه بود و فرجام تن را خوب به یاد داشت، و در هر زمان و به هر گونه‌ای در نیایش آفریدگار مهربان، کوشا تر بود. وظیفه خود را در داد و دهش به درویشان و ارزانیان (مستحقان) انجام می‌داد. (اسطوره زندگی زرتشت ۱۶۴، ۱۲۰ و ۸۳).

فرهنگ فرهنگ‌ها که سرچشمه دانائی و گزینش (تشخیص) از آن است... معجزه معجزات، منزله از گمان، بی‌مانند... [مینوی خرد، ۲].

زرتشت در ادب پارسی، به سیمای پیر مغان در آمد، کسی که به قول حافظ:

«به تأیید نظر حل معما می‌کرد و می‌گفت که از مصاحب ناجنس احتراز کنید.» کسی که ستائیده سهروردی بود و از سوی گزارشگر آثار سهروردی، یعنی قطب‌الدین شیرازی، حکیم فاضل و امام کامل، لقب گرفت، کسی که دقیقی توسی جان خود را فدایش کرد.

روانشاد دکتر محمد معین در کتاب مزد یسنا و ادب پارسی با اشاره به اینکه شالوده تصوف ایران اسلامی را ابو یزید بسطامی ریخته یادآور می‌شود که سروشان جد بسطامی زرتشتی بود.

هم چنین عارفانی چون منصور حلاج و شیخ ابوسعید کازرونی نیز در ابتدا، زرتشتی بوده‌اند...

در لغت نامه دهخدا از قول ناظم الاطبا درباره زرتشت آمده:

شیخ مقتول و فاضل سهروردی و علامه شیرازی و علامه دوانی و میر صدرالدین و غیاث‌الدین منظور، او را نبی فاضل و حکیم کامل دانند.

سیمای آن و خشور در گاتها:

بهترین راه شناخت اشو زرتشت، این بزرگ‌ترین بینشمندهای جهان سروده‌های آسمانی گاتها است. سروده‌هایی که مردمی‌ترین سخنان جهان است.

#### ز گفتار پیغمبر راستگوی

#### دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی

اشو زرتشت در این سروده‌ها از آزادی، والایی، راستی، درستی، پاکی، دوری از کژی و فریب سخن می‌گوید. در این سروده‌ها هیچ‌گاه انسان را از پروردگار خود نمی‌ترساند، بلکه همه جا سخن از خدای بزرگ دانا، پروردگار هستی بخش و اهورامزدا است. خدایی که باید با دیدی عاشقانه و عارفانه بدو نگریست.

#### بیاموز آن را که آگاه نیست

#### دلش را بدین بارگه راه نیست

پروردگار اهورامزدا نه قومی برگزیده دارد و نه زبان و سرزمین و خانه‌ای خاص. زرتشت به ما می‌آموزد. او کوی به نام کائنات را برای ذره‌ای به نام زمین ما نیافریده، بلکه او جوهر راستی و سرمنشأ حقیقت و نیکی است.

سروده‌های گاتها به ما می‌آموزد که خداوند مبدأ نور و آغاز و پایان این نظام هدفمند آشایی است. اشو زرتشت به ما می‌آموزد که او اهوراست و حقیقت راستی.

پیام زرتشت چیزی بجز آوای برادری و برابری و انسان‌مداری و آزادی نیست. او یک آموزگار ارزنده است که جز به آموزش مردم و رهنمود کردن آنها به سوی خوشبختی، به چیز دیگری نمی‌اندیشید. این فرزاندگی و خردگرایی آشکارا در سروده‌های گاتها به چشم می‌خورد.

#### من نکویم که کنون با که نشین و چه بنوش

#### که تو خد دانی اگر عاقل و زیرک باشی

در گاتها پیامبری را می‌بینیم که با تحمل مرارت‌ها می‌کوشد آدمیان را به راه راست رهبری نماید و راه جویان راستی را به شنیدن پیام بزرگش آشنا و دل‌بسته نماید، و نشان دهد که پیروی راستی در نهایت به خوشبختی جاویدان منتهی می‌شود.

دنباله دارد...

# گوهر آزادی از دیدگاه آیین زرتشت

متن زیر چکیده ای است از سخنرانی کدبان هومر آبرامیان در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در تاریخ سوم می ۲۰۰۹

به کوشش: پرویز منوچهری



آدمی در برابر اراده خداوندیست که چنین چیزی را در اندیشه های زرتشت نمی یابیم. همین جا آن جستار بسیار نامور جبر و اختیار پدید آمد؛ از یکسو جبر، آنچه که اراده خداوندیست نیک است و آنچه که در پی اندیشه آدمی و با کار

آدمی دید آید، اگر وارون اراده خدا باشد شر است.

با نگاه به تاریخ کلیسا در دوره های میانی می بینیم که همه دست آوردهای دانشمندان چون در برابر اراده خدا بودند شر شناخته می شدند، ولی پس از رنسانس اندک اندک چهره و درون مایه این واژه دگرگون شد. دیگر آزادی، آزادی جبر و اختیار نبود بلکه آزادی فرد در برابر اجتماع بود؛ یعنی آزادی میدانی بسنده و زمینه هایی بایسته برای زایش و بالایش استعدادها فراهم می کند. اگر در فرد استعدادی هست، زمینه های اجتماعی برای زایش و رویش و بالایش استعدادها فراهم شود تا این انسان بتواند استعدادهای خود را در آن زمینه بکاربرد و در میان اجتماع و برای جامعه به بار آورد؛ همانا این سخنی است که زرتشت در چهار هزار سال پیش گفته است. با نگاه به واپسین سروده های زرتشت، آزادی اندیشه و هم پرسی با خرد را به روشنی می توان دریافت:

«ای پوروچیستا، از دودمان هیچدسپ و از خاندان اسپنتمان، ای جوان ترین دختر زرتشت، مزدا اهورا او را که به منش پاک و راستی، دلستگی و ایمان دارد به عنوان همسر به تو بخشیده پس برو با خردت نیک مشورت کن و با نیک اندیشی و آگاهی کامل رفتار نما.» (یسنا هات ۵۳ بند ۳)

همپرسی آگاهانه با خرد و سپردن اختیار گزینش، چیزی که نمونه اش را حتی در جوامع پیشرفته امروزی کم می توان یافت. از این سرود و یا دیگر سرودهای زرتشت می توان به روشنی مفهوم آزادی را دریافت؛ به عنوان نمونه در سروده ای دیگر داریم؛ آنجا که زرتشت ستایش می کند اهورامزاد را که آدمی را آزاد آفرید تا راهبر راستین خود را برگزیند و در برابر راهبر ناراستین به ایستد و با او برزند؛ که شوربختانه جامعه امروز زرتشتیان جهان این نکته را فراموش کرده است؛ رزمیدن با پتیارگی. آیین زرتشت آیین جنگ با نیک و بد است، همانند پزشک هنگام مداوای بیمار که در جنگ با اهریمن بیمارست، و یا به مانند مهندسی که پلی می سازد بر روی رودخانه و در رزم با دیو نابسامانی است.

در افسانه های ایرانی آمده است که در آغاز اهورا بود و اهریمن، هریک از دیگری جدا، جهان روشنایی جهان اهورا بود و جهان تاریک جهان اهریمن. روزی که هنوز روز نبود اهریمن سر از ژرفای تاریکی به در کشید و پرتو روشنایی را دید که بسیار زیباست و به آن یورش آورد، چرا که سرشتش ضد روشنایی است. اهورا به آفریدگان مینوی خود رو کرد و گفت: ای فروهر نیکان، اگر من به شما پیکر هستی بپوشانم، آیا آماده اید که به یارمندی من به جنگ اهریمن بیایید...

این افسانه ها دور ریختنی نیست و همین ها بن فرهنگی ما را می سازند. افسانه و فرهنگ ایرانی می گوید که ما زاده شده ایم برای جنگیدن با اهریمن و همه سپاهیان با (بیماری، فقر، آرز، نیاز، رشک، خشم، ترس، بی خردی...) و با جنگ و با هر گونه تباهی که دستاورد اهریمن است. منظور از جنگ گرفتن، جنگ افزار در دست نیست، از اینگونه جنگ سخن نمی گوئیم، از ایستادی در برابر اهریمنی سخن می گوئیم.

با اشاره به سرود ۲۹ می بینیم که زرتشت سردار بزرگ سپاه بود، سردار جهان بود، چون راه درست زیستن و راه ایستادن در برابر پتیارگی ها را می دانست و می دانست که اگر در جنگ نباشیم، جهان ما به دست اهریمن تباه می شود و از بین می رود. بنابراین ما را برانگیخت که با کزاندیشان مبارزه نماییم.

زرتشت می گوید: آدمی تکه ای است از آن هستی بخش بزرگ، و چون گوهر او نیک است پس گوهر آدمی باید که نیک باشد.

اگر در ما بدی راه پیدا کرد، باید با آن بدی بجنگیم و آن بدی را از خود دور سازیم. او نمی گوید بدی را بکشید، چون ما نمی توانیم بدی را بکشیم همانگونه که فریدون نتوانست ضحاک را بکشد. او را به بند کشید. ما نیز باید که ضحاک های خود را در درون خود به بند کشیم و ضحاک های بیرون را در بیرون از خود.

در پایان این نشست کدبان هومر آبرامیان پرسش های باشندگان را پاسخ دادند. هم چنین کتاب «زرتشت چه می گوید؟» ایشان پس از امضاء در دسترس دوستداران قرار گرفت. ■

با درود به روان و فروهر زرتشت پاک، دین گذار بزرگی که آیینی بنیاد نهاد که از ابتدای تاریخ اندیشه تا به امروز پیر و کهنه نشد و تا تاریخ جهان بپاست، کهنه و فرسوده نخواهد شد.

آزادی به مانند گوهری گرانبهاست که در میان گوهرها، مردمان بیشتر خواستار آن گوهر هستند، و برای ما فرزندان زرتشت بسیار بایستگی و شایستگی دارد که هر گوهری را با آموزه های اشوزرتشت بسنجیم. نیک و بدش را، ارزش و ضد ارزش را در پیاله آموزه های زرتشت بریزیم و سپس بدانیم که این گوهر تا چه اندازه با ارزش است یا بی ارزش؟ از دیدگاه زرتشت بزرگ، پدر فرهنگی و آموزگار بزرگ ما، آزادی چگونه است؟ تا چه اندازه در پی آزادی باشیم یا نباشیم. آیا آزادی را باید بها داد، یا خیر؟

در پیوند با آزادی در دو زمینه می توان به پژوهش نشست که آزادی چیست و کرانه هایش کدام است؛ یکی در پیوند با ماتک ها (اشیاء) و جهان گیتی، و دیگری در پیوند با مردمی آدم ها. فرزندانگ پیش از زرتشت و پس از او تا به امروز در پیوند با ماتک ها و یا چیزها، گفته اند:

آزادی آن است که چیزی بتواند بی هیچ راه بندی به هر سو که می خواهد در جهش و جنبش و تکاپو باشد. و در پیوند با مردمان گفته اند که آزادی آن است که اراده آدمی در هر سویی که بخواهد بجنبد و هیچ راه بندی نداشته باشد. زرتشت بزرگ هر دو این نگرش ها را رد می کند هیچ یک را نمی پذیرد.

بزرگ ترین یافته زرتشت، شناخت هنجار هستی «اشا» است؛ اشا، بن همه نوآوری ها و بن همه یافته های آدمی است. این آن چیزی است که اگر آدمی آن را بشناسد و در زندگی خود به کار برد، همه بلندای خوشبختی و به روزگاری را خواهد پیمود. همانا فردوسی بزرگ در شعر:

«توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود»

تنها به یک دانایی که همان اشا است اشاره می کند. زرتشت با این شناخت درباره آزادی این گونه می گوید که در جهان هستی، هیچ باشنده ای جدا سر و ایستاده به خود نیست و هر باشنده ای از میان باشندگان هستی در پیوند با باشندگان دیگر است، و هر تکه ای از جهان هستی وابسته به تکه های دیگر هستی است، و همه و همه در پیوند با یکدیگرند و نظمی بر همه اینها فرمانروایی می کند.

در میان همه تکه های هستی این نآزادی و دربند بودن را می توان دید؛ به عنوان نمونه، دانش زمین شناسی به ما می گوید که زمین دو گردش یا چرخش دارد، یکی به دور خود و دیگری به دور خورشید، اما هیچ از این گردش ها به اراده خود زمین نیست، بلکه زمین در زیر دو فشار کشنده و فشار دهنده، بی آن که خود بخواهد می گردد. پس جنبش زمین به اراده خود آن نیست، بلکه در پیوند با اراده تکه های دیگر هستی است که در پیرامون آن جای دارد و این همان بخشی از هنجار آفرینش می شود.

سامان هستی پدید آمده از دانش بزرگی است که زرتشت او را مزدا می نامد، نیروی اندیشمند بسیار برتر که در اندیشه ما نمی گنجد و آن نیروی خرد بزرگ است که این جهان پهناور را پدید آورده و به نظم کشیده است.

دیدگاه زرتشت در پیوند با آدمی چگونه است؟

زرتشت این را که اراده آدمی در هر جهتی که بخواهد بجنبد و هیچ جلوبندی نداشته باشد را نیز رد می کند؛ چرا که آدمی باشنده ای است هازمانی (اجتماعی) و در جامعه زندگی می کند و چه بخواهد و چه نخواهد در پیوند با دیگر پدیده ها و با دیگر مردمان است؛ ما باشندگان هازمانی هستیم و ناگزیر باید در جامعه زندگی کنیم و جامعه قانون و داد خودش را دارد و این هناد (نظم) اجتماعی است که اراده من را از من می گیرد و در برابر اراده من سد می زند. نمی توان در برابر نظم اجتماعی ایستاد و از آن سر باز زد. با نگاه به دیدگاه فرزندانگ اروپایی پیش از رنسانس (نوزایی فرهنگی) می بینیم که در آنجا آزادی تنها اراده

مغان چه کسانی بودند؟ هرودوت مغان را یکی از قبایل شش گانه‌ی مادها دانسته که مادها و پارس‌ها (هخامنشیان)، روحانیون خود را از این طبقه انتخاب می‌کردند. مَغ یا مغان سمّت عامی بوده برای تمام روحانیون مذاهب ایرانیان باستان و میان رودان، از میترایی، زروانی، پیروان مادهای غربی، بابلی (کلدانی)، دین هخامنشیان، مانوی، زرتشتی و... شاید این مسئله ابهامات و انحرافات را به وجود آورد که سردرگمی فرهنگ و تاریخ ایران نتیجه‌ی بخشی از آنهاست.

در حال حاضر پژوهش تاریخی و ارزیابی درست از نادرست تا اندازه‌ای آشکار گشته و همچنان ادامه دارد. تعدادی از پژوهشگران در آریایی بودن مَغ‌ها شک دارند. دلیل آنها بر این نهاده شده که در گاتاها، زرتشت، به کاهنان دیگری چون کاوی‌ها و گرپن و... نیز اشاره کرده است ولی می‌شود با اطمینان اظهار نظر نمود که مَغ‌ها قومی از مادها بوده‌اند که وظیفه‌ی انجام دادن تشریفات دینی به عهده آنها بوده.

در دوران پادشاهی مادها این طایفه در سرتاسر کشور حکومتی آنان پراکنده شدند و شغل روحانیت را به عهده گرفتند. این گروه در اجتماع شکل بسته‌ای داشته‌اند و با غیر از گروه خود (ولی بنی محارم و خویشاوندان نزدیک) ازدواج نمی‌کردند و مقام شاه کاهنی میان آنها توراتی بود.

شاهان مادی و هخامنشی در بازسازی‌های سیاسی و اجتماعی قدرت فرمانروایی را از آنها گرفته و محدود کرده بودند. در این زمان مغان که از نظر سیاسی ضعیف شده بودند، جهت نگهداری مقام خود نسبت به آیین تازه وارد زرتشتی پذیرش نشان داده و آنرا اعلام کردند (آیین زرتشت بسیار قدیمی تر از کیش مادها بود و به تازگی میان مادها رواج پیدا کرده بود).

و اما زمانی طول نکشید که آنها توانستند باور و رسوم و آداب خود را به عنوان باورها و سنن دیگر خویش در دل آیین تازه وارد زرتشتی جاسازی کنند. با توجه به تأثیرات مغان در انحراف آموزش‌های زرتشت، باید به بررسی مادها و فرهنگ تاریخ آنها پرداخت.

**۱ - دین مادهای غربی (پیش از سده ۹ میلادی):** چون از کیش مادهای غربی نوشته‌ای باقی نمانده، از روی نقوش بازمانده و اسامی و شکل تدفین و اشیاء مقدسه و تا اندازه‌ی از سبک معماری آنها باید به جستجو پرداخت. از مدارک موجود آشکار می‌شود که مادی‌ها غربی، اعتقاد به خدایان داشتند که از آنها تندیس و بت می‌ساختند. شکل این بت‌ها و اساطیر را تا اندازه‌ای می‌توان از روی نقوش منقور بر زیورهای فلزی مشاهده و پژوهش نمود. این اشکال از اعضای بدن حیوانات و به ویژه شیر و عقاب یا شاهین است، در این نقوش زیاد دیده می‌شود که ویژگی‌های مردم ماد غربی بوده و معین‌هاست که بعداً در نقوش برجسته هخامنشیان به عنوان مظهر شیر دیده می‌شود.

**۲ - دین مادهای شرقی:** آگاهی ما مربوط است به نام‌هایی که در مدارک آشوری باقی مانده و با اسامی و واژه‌های اوستایی نزدیکی و یکسانی دارند. در سده ۸-۹ پیش از میلاد، ماد مرکز اشاعه و تفکرات دینی و فرهنگی بوده است.

نباید تصور کرد که ماد مرکز پیدایش و نصفه [زبان] اوستایی بوده، چون اسامی و واژه‌هایی که از اوستا و شکل زرتشتی آن به این سرزمین نفوذ کرده، به شکل مادی و به تابعیت زبان مادی در آمده است و شاید بتوان گفت که مادها واسطه‌ای برای انتشار و اشاعه فکر اوستایی و آیین زرتشتی بوده‌اند.



## مغان چه کسانی بودند؟ و در تفسیر آن

(۲)

دکتر بُرزو نجمی

به همین نظر از زمان مادها به بعد، به طور کلی، روحانیون و کاهنان همه‌ی مذاهب ایرانی، مغان یا مجوسان دانسته و نامیده می‌شد. این تصور موجب ابهامات، اتهامات و ناراستی‌هایی شد که تاریخ هرگز چنین ناراستی و سردرگمی را به یاد ندارد. به عنوان نمونه، در کاپادوکیه (ترکیه فعلی) که بیشتر اهالی آنجا را میترائی‌ها تشکیل می‌دادند، نیز کاهنان خود را مَغ می‌نامیدند. در پایان دوران اشکانیان و ساسانیان، یونانیان و رومیان نیز با ناآگاهی کامل، پیشوایان آئین زرتشت را مغان می‌نامیدند. در کنار زرتشتیان در ایران، روحانیان پیروان مذاهب زروانی، خود آئین مَغی مادی، و دین‌های متداوله دیگر در ایران نیز مَغ نامیده می‌شدند و همه‌ی آئین منتشره در اثر انحراف و ناآگاهی، دین آور خود را زرتشت بزرگ می‌شناختند.

شوربختانه از آغاز سده چهارم پیش از میلاد، پیوند نادرست میان نام زرتشت بزرگ و مَغ‌ها انجام گرفته و تثبیت شده بود. اولین نویسنده‌ای که از زرتشت مجوس نام برده خسانتوس لیدیائی (ترکیه‌ای) است که احتمالاً در سده چهارم پیش از میلاد می‌زیسته است. پژوهش نشان می‌دهد، که خسانتوس از زرتشت نام نبرده و فقط از مَغ یا مجوسان شرحی آورده و بعدها افرادی که از آثار او نقل قول کرده‌اند، نام زرتشت را به جعل وارد آثارش کرده‌اند. این نسبت نادرست درباره‌ی زرتشت به عنوان آئین مَغی همچنان ادامه یافت.

در اواخر دوران نفوذ فرهنگی یونان نوشته‌های مذهبی - عرفانی که بیشترین آن باورهای گنوستیکی و نوافلاطونی است به نام آموزش‌های مغان یا مجوسان کلاً انتشار پیدا کرد و با نام زرتشت بزرگ و آموزش‌های او در آمیخت که اصولاً چنین آثاری با افکار و اندیشه اصیل آن بزرگوار سازگاری نداشت، بلکه همیستار آنها بود.

چون نام زرتشت بزرگ با دیانت مَغی در آمیخت و مشهور همگان گشت، مردم خواستند از این رهگذر از افکار فلسفی و مذهبی گنوستیکی و نوافلاطونی که بیشتر به باورهای مسیحیان نزدیک است (که بیشتر باورهای مهرپرستی را به ارث برده‌اند) بهره برند و آنها را به مغان و به طور غرض ورزانه یا ناآگاهانه به زرتشت نسبت دادند.

سرزمین مادهای غربی در آذربایجان (آذربادکان) که مهم‌ترین مرکز مادها بود و به موجب اوستا (یشت ۱۸ یا اشتاد یشت)

«ری (رغ یا رگ)» مرکز بزرگ‌ترین روحانی یا جانشین زرتشت شده بود. این سنت همچنان ادامه یافت و ری مرکز مَس مغان (موبدان موبد = موبد بزرگ یا به زبان تازی کبیرالمجوس) شد.

با گسترش آئین مَغی زرتشتی جهت اداره اموال و املاک معابد، آتشکده‌های زیادی درست شد و مراکز دیگری مانند «ری» ایجاد شدند. اما چون آذربایجان اهمیت بیشتری داشت، بدین جهت از دوران اسلامی به بعد و از زمان ساسانیان با ناآگاهی و غرض ورزی بیشتر، ارومیه را به نادرستی زادگاه زرتشت معرفی کردند. مَغ‌ها با انجام این کار ناشایست، زادگاه زرتشت را از شمال شرقی‌ترین ناحیه ایران ویج (خوارزم و خراسان بزرگ) به شمال غربی‌ترین ناحیه ایران ویج (در آذربایجان) منتقل نمودند و به کردارهای زشت خود افزودند.

رابطه‌ی آترونان و مغان نیز از موضوع‌های دشوار تاریخ مطالعات زرتشتی است. زرتشت جانشینی را پس از خود تعیین نکرد و ساختن معبد و آتشکده و غیره را نیز توصیه ننمود. آتشکده یا آتشگاه از یادگار دوران آریائی است که آترونها یا آذربان‌ها از آتش آن مکان برای خاموش نشدن و پاکیزه نگاه داشتن، پرستاری (نه پرستش) می‌کردند. آتشگاه مکانی ذخیره آتش برای استفاده و برداشت مردم جهت تهیه خوراک و گرم نگاه داشتن منازلشان بود.

**چند سده پس از وفات زرتشت، آترونها (آذربانان یا خادمان آتشگاه) عهده‌دار رسیدگی به کارهای بهدینان شدند و آن مسئولیت را به شایستگی انجام دادند.** در این زمان مغان، این مقام را از آترونها به زور سلب کردند. در زمان ساسانیان نیز قدرت در دست مغان بود و در نظر خواص و عوام، آنها روحانیون زرتشتی شناخته می‌شدند و آترونها را که باورهای آنها را پذیرا نبودند و با آنها درگیری داشتند و مقاومت می‌کردند، بیرحمانه سرکوب کردند.

رسوم و تشریفات ساده و بی‌آلایش کیش زرتشت را می‌توان تا اندازه‌ای دنبال کرد و به دوران مغان رسید. می‌شود گفت که مغان تا حدی زرتشتی شده بودند و از طرفی سنن و تشریفات سخت و آزار دهنده و باورهای خودشان را وارد کیش زرتشت نموده‌اند را به انحرافات و سنن مَغی آلوده نمودند.

**همسان ساختن کیش گات‌هائی زرتشت با باور و آئین مغان که کم و بیش باورهای آریائی است، دلیل بر ناآگاهی نویسنده و یا گوینده دارد.** در کتاب‌های زرتشت به کرات از واژه دین استفاده شد. زرتشت در یسنای ۵۳ بند ۱ گات‌ها دوبار دیگر، آموزش‌های خود را دین بهی (دین بهترین راستی) نامیده است و تأکید نموده است که دین یا دیانت همان وجدان یا حس درون بینی و پیرامون نگری است و دین یا دیانتی بهترین است که با بهترین راستی و درستی همراه یا برابر باشد. (دین بهی در گات‌ها دَننیا - ونگهویا نامیده می‌شود).

پیروان زرتشت پس از درگذشتش دین بهی را دین زرتشتی نامیدند. زرتشت در اشتودگات‌ها، یسنای ۴۳ بند ۱ و ۲ و ۳ دین را چنین بیان نموده:

آفریدگار (ای مزدا) فروغ نیک اندیشی را بر من بتابان تا با برخورداری از آن در مهربانی، خرسندی و آرامش بخشی به دیگران کامیاب گردم (همه جا صحبت از فروغ خرد و نیروی راستی درونی است). در جامعه بهدینان، روحانیت منحرف جای خودنمایی دارد و نه تشریفات و شعائر کلیسائی.

دنباله دارد...

## کلینیک همگانی رایگان



پزشکی قرار گرفتند. قسمتی از خدمات ارائه شده عبارت بودند از: معاینه عمومی، اندازه گیری قند و کلسترول، گرفتن ای.ک. گی و مشاوره، روان درمانی، مشاوره پوستی، پزشکی کودکان، دندان پزشکی، آزمایش های زنانگی، کایروپراکتیک، فیزیکیال تراپی، مشاوره دارویی، و...

همگی هموندان بر این پندار هستند که برپایی این نوع کلینیک یکی از خیر خواه ترین کمک به هموندان می باشد، و تقاضای تکرار این گونه برنامه ها را دارند.



در پایان، از تمام داوطلبین و دست اندر کاران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا که در این امر خیر کمک نمودند، سپاسگزاری می شود منجمله از آقای دکتر شاه، خانم فرشته صارمی، خانم پرمیس خطیبی، کادر تدارکی و پزشکی یو سی آی (UCI) و مرکز پزشکی میسن (Mission Community Medical Center)



در روز ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹ مرکز زرتشتیان کالیفرنیا شاهد نخستین کلینیک همگانی رایگان ایرانی در جنوب کالیفرنیا بود. این کار بزرگ از ماه ها پیش با برنامه ریزی عده ای از علاقه مندان و داوطلب ها شروع شد. با دکترها و متخصصین پزشکی تماس گرفته شد و نیک به گونه ی همگی آمادگی خود را در این امر رایگان پذیرفتند.

در روز موعود داوطلبین از ساعت ۷ بامداد در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا گرد آمدند تا تدارکات این کلینیک را که از ساعت ۱۰ بامداد شروع و تا ساعت ۴ پسین ادامه می داشت ببینند. حدود ساعت ۹ بامداد همه دکترها و متخصصین به مرکز آمدند. کادر آمادگی و آزمایشگاهی یو سی آی (UCI) که تمام آزمایش های خونی را عهده دار بود نیز برای همین کار مهم آماده شدند. بیش از ۱۵۰ نفر در این روز از کلینیک استفاده کردند و مورد معاینات و آزمایش های



## آتشکده ساسانی نطنز

نطنز شهری که آدم از دیدن دوباره اش هم خسته نمی شه، کوچه باغ های زیبا که بافت قدیمی خودشون رو به بهترین شکل حفظ کردند و زیاد خبری از ساخت و سازهای نامأنوس متداول در این گونه شهرها، درش دیده نمیشه با مردمانی شدیداً مهمان نواز.

یکی از دیدنی های نطنز آتشکده منسوب به دوران ساسانی هست که ۴ ستون از هفت ستون آن هنوز باقی مونده و از چهار اتاقش هم تنها يك اتاق باقی مانده و بقیه فرو ریخته و باقی مانده ها هم در آستانه فروریزی است.

این بنا در نزدیکی مسجد جامع دیدنی شهر نطنز هست، گفته می شود مسجد جامع بر روی ویرانه های باقی مانده از این بنا ساخته شده.

به دلیل اینکه این بنا در يك ملك خصوصی واقع شده است، هیچگونه نظارت و رسیدگی هم از طرف سازمان مربوطه نمی شه. ■



اینهم دو تصویر از درون آتشکده که مناره مسجد جامع قابل دیدن هست





## Tajikistan Flag's Zoroastrian Symbolism

Tajikistan's president, Emomali Rahmonov, has promoted Tajikistan's awareness of its Zoroastrian and Aryan roots in his book *The Tajiks in the Mirror of History*. This awareness has led to the incorporation of Zoroastrian symbolism in its flag.

The seven stars in the center of the flag represent the seven Amesha Spentas. The crown (taj in Persian and Tajik) represents both the name of the people and the country, as well as the Samanid crown.

While the green, white and red have other professed meanings, red and white are traditional colors connected with Zoroastrianism, while green represents nature and

creation.

### The symbolism of colors

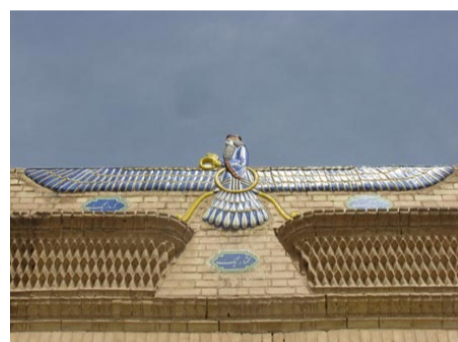
The colors used for decorating the home, as well as for clothes, are white and red. White symbolizes light, milk, purity, goodness and honesty - essentials for human well-being. Red symbolizes the sun and blood, the source and essence of life. Red also symbolizes fire and flame.

The tradition of using white with red for accentuation continues with the Zoroastrians of India. Red flowers are interspersed among the white flowers used in ceremonies. Red is added to white chalk designs used to deco-



rate the threshold of doorways.

Indian Zoroastrians have borrowed from the Hindus of India the practice of applying a red paste to the forehead of, say, a couple getting married. The use of black is avoided as it symbolizes ignorance and evil.



## Farvahar Island in the Persian Gulf

Plans to build an artificial island in the shape of a farvahar in the Persian Gulf are close to completion.

This artificial island will be built in the southern part of Pars, on the outskirts of the historical harbor of Siraf, one of the oldest cities of Bushehr province. It is being built on land measuring 3km x 5km, and plans include boarding and lodging sites, hotels, a university, a solar energy center, a playground, and a large International Hall for cultural speeches and conversations.

Dr Esfandiyar Ekhtiyari (the Iranian Zoroastrians' MP), a member of the island's management team, informed us that plans for this project, which is being supervised by 60 executives, will be executed in the near future.

Once Siraf's harbor was host to big ships that arrived from main Iranian and Middle East harbors. However, due to an earthquake and tsunami in the spring of the year 398, Ghamari, most of it was destroyed, and now the only remains are the Siraf Jame Mosque,

By: Behrooz Khalili

the Nasuri Fort, Dakhme (the Zoroastrian Cemetery), and a market.

As per Iranian belief, the farvahar is a part of every being, and with the farvahar we can enlighten our path towards development and that best light. Different parts of the farvahar have been explained as follows:

The farvahar, or farohar, is the spirit of the human being that existed before his/her birth, and will continue to exist after his/her death. It is to remind people of the purpose of life on this Earth, which is to live in such a way that the soul progresses spiritually and attains union with Ahura-Mazda (the Wise Lord). This state is called Frasho-kereti in the Avesta.

The farvahar's face resembles that of a human being and therefore indicates its connection to humanity. There are two wings which have three main feathers. These main feathers



indicate three symbols of 'good reflection', 'good words', and 'good deeds', which are at the same time the motive of flight and advancement.

The lower part of the farvahar consists of three parts, representing 'bad reflection', 'bad words', and 'bad deeds', which cause misery and misfortune for human beings.

There are two loops at the two sides of the farvahar, which represent Sepanta Minu and Angra Minu. The former is directed towards the face, and the latter is located at the back. This also indicates that we have to proceed towards good and turn away from bad. The circle in the middle of the farvahar's trunk indicates that our spirit is immortal, having neither a beginning nor an end.

One hand of the farvahar points upwards, showing that we have to struggle to thrive. The other hand holds a ring. Some interpreters consider that as the ring of covenant, representing loyalty and faithfulness, which is the basis of Zarathustra's philosophy.

## Cyrus The Great

By: Tehran



With the overwhelming concern for human rights in recent news media over the turmoil in Iran, it interesting to note that the concept of human rights itself began in Iran almost 3000 years ago - with a ruler known to the world as Cyrus the Great.

The 'king of kings' created a heritage of peace and prosperity in his 30-year rule as emperor (around 530BC). The founder of the Persian Empire under the Achaemenid Dynasty, Cyrus the Great was the first Zoroastrian king, creating a world empire and leaving a legacy of principle and precedence.

Following Zoroastrian principles, Cyrus the Great expanded Persia, creating the largest empire the world had ever seen. With major campaigns into the Median, Lydian, and Neo-Babylonian Empire, Cyrus was a conqueror. However his policy of tolerance, respect, and acceptance made him so much more. By respecting the customs, traditions, and religions of the newly-acquired lands, Cyrus the Great was able to establish himself as a true leader. Unlike other conquerors, Cyrus was seen as liberator.

Cyrus the Great's tolerance, respect and acceptance formed what may be his greatest legacy. The First Declaration of Universal Human Rights was drafted on a cylinder around 539BC. Displaying the familiar phrases that all men and women are 'created equal' and have the rights to 'life and liberty', this declaration outdates all others by a thousand years.

The Cylinder of Cyrus introduced a new humanitarian concept into the world. Banning all types of slavery, indentured servants, and other forms of servitude, banning racial and sexist prejudices, banning religious intolerance and stating Zoroastrian principles as its foundation, the First Declaration of Universal Human Rights set a legacy that is currently quoted by institutions such as the United Nations and Amnesty International.

More Nobel Peace Prize winners quote Cyrus the Great in their acceptance speeches than any other author, poet, or leader in the world.

Buried in the ancient capital of Pasargard and ranked in the top 100 most influential people in all of history, Cyrus the Great will never be forgotten, even if his legacy has been soiled. The foundations of his legacy are simple: good thoughts, good words, good deeds.

By: Shapur Negareh

In what may have been a glimpse of diversity in an administration under Mir Hossein Mousavi, senior representatives of Iran's native Jewish and Zoroastrians joined him to celebrate Persian Gulf Day.

Faced with foreign efforts to falsify the historic and correct name of the Persian Gulf, Iran has designated April 30 as Persian Gulf Day. This year, the Day's slogan was, 'Iranians' desired Persian Gulf: Clean, Prosperous, Secure.'

In Tehran, the main conference marking the day was at the Warsaw Cultural Center, and featured many cultural and religious luminaries, led by the presidential hopeful Mousavi. It also included the outstanding Jewish poet Ibrahim Sa'idian and the Zoroastrian poetess Tooran Shahriari, who was accompanied by her coreligionist, the Magus Rashid Khorshidian from Tehran's Society of Magi.

First, the septuagenarian Shahriari, whose day job is as a leading defense attorney, enthralled the audience with her poem 'Persian Gulf'.

But it was Sa'idian who roused the audience with the passionate rendition of his powerful verse, pointing out that he was one of the first Iranians to give a poetic response to the attempts by the 'arrogates of the world' to undermine fidelity of the historic waterway that has been known as the Persian Gulf throughout recorded history. Indeed, his reading was interrupted several times by the spontaneous applause of Mir Hossein Mousavi and others in the audience who were mostly from the spheres of arts and culture.

Sa'idian, who also heads Iran's Jewish Cultural, Artistic and Social Center, explained that he had felt insulted, both as an Iranian and as a member of the Jewish community that has thrived in this land for 4,000 years, and his verse reflected his anger perfectly.

Earlier, the former culture minister Ahmad Masjed-Jamei delivered an analytical speech explaining the significance of the Persian Gulf for trade, cultures and all the civilizations who live around it, and for many further away.

## Minorities join Mousavi



## for Persian Gulf fest

He said that from the days of the Persian Empire to the later Muslim traders, Armenian seamen carried pilgrims to Mecca, Zoroastrian local lords acted for the Caliphate to ensure the security of trade routes, and Iranian Jewish traders shipped Persian Gulf pearls to clients as far as China.

The blue waters of the Persian Gulf nourished all the natives, and its name, as with Iran itself (a country where multi-ethnicity and tolerance has always been woven into its fabric), has stood for diverse peoples living and prospering together.

And, as in the country bearing its name, local conflicts started with the arrivals of ships of greed from over the horizons, who sought to spread divisions, in order to conquer and exploit.

The final - and star - speaker of the evening was Mir Hossein Mousavi, the unassuming, yet much admired former prime minister during the Saddam-imposed war on Iran.

Since leaving high office, Mousavi has devoted himself to cultural activities and has done much for Iran's Academy of Arts, which he heads.

He was persuaded to enter the political fray and announce his presidential bid by what he saw as the dangers facing the country.

Although this was a cultural evening, Mousavi used it to outline some of his foreign policy objectives, should he be elected in the polls set for June.

Recalling Iran's uniquely rich and ancient civilization, and the influence of its culture throughout the ancient world, Mousavi explained that the country should not put all its

eggs in one basket of relationships with a couple of states, and should instead retrace its historic footprints across Central Asia, to India and China, in search of partners.

To underline this, he gave the example of how any attempts to take the word 'Persian' out of the phrase 'Persian Gulf' have met with uproar, not only in Iran or among the Persians, but also throughout Asia, in countries like Tajikistan.

stan.

He went on to explain that the issue of the Persian Gulf 'is not a matter for Persians only, but it forms a part of the identity of all nations of Iran, who will rise to defend it.' He gave the example of Mohammad Ali Movahhed who is (like Mousavi) from Tabriz and a native of Iran's Azerbaijan region, but who wrote the 'definitive study of the Persian Gulf and the three islands (of the Greater and Lesser Tunbs and Abu Musa claimed by UAE).'

Drawing a parallel with Europe where, from the humble origins of the European Coal and Steel Community in 1951, there is a now a massive European Union with 27 member states, Mousavi pointed out that the 'relationships among European states were far more distant than our present relationships with states like Tajikistan, Azerbaijan and countries around the Caucasus. But, through effective efforts over 60 years, the Europeans have managed to transform these distant relationships into a unified currency, the Euro, unified European external relations, and, ultimately, a united Europe. We must learn from these effective long-term efforts.'

However, Mousavi warned that this reorientation will need patience. 'Regional policies must be formulated for the long term with persistence, in a way that each new (Iranian) government would not alter it with its own policy preferences. For, if our hands are full, then we can face the world and defend our national interests.'

And, those interests include keeping 'Persian' forever attached to 'Gulf'. For it is far more than a mere symbolic matter, and signifies the sphere of Iranian identity and interests with a very definite red line.

## Iranian classical musical ensemble banned by the Iranian government



The highly acclaimed and controversial Iranian musical masters, Homa and the Mastan Ensemble, visited New York City on September 19, 2009, to perform the latest compositions by Homa at the Lincoln Center.

This performance was one of the highlights of their 11-city US tour, which started in Los Angeles at the Walt Disney Concert Hall in front of a sold-out audience, in collaboration with the world-renowned Maestro Shardad Rohani.

Founded in 2005 by Parvaz Homa, the Mastan Ensemble has grown to become one of the most popular traditional Persian musical ensembles in Iran. Since early 2009, however, Parvaz Homa has been banned by Iranian government officials from performing any of his musical pieces publicly in Iran.

Following the paths of the greatest Sufi masters Rumi and Hafez, Homa and the Mastan Ensemble encourage their audiences to live consciously. They share the universal idea of striving for a creative life by allowing love and peace to flourish from within. Rhythmic, uplifting and mesmerizing, the Ensemble plays traditional Persian music in a way that has never been heard before.

Only in his twenties, Homa is an exceptional classical artist who composes, writes his own lyrics, sings and produces his music. His ensemble consists of eight Iranian musicians. A true patriot to his motherland Iran and its people, Homa recently composed 'Sarzamin e Be Karan' or 'Boundless Land', which he dedicated to the people of Iran, delivering a message of hope and peace for their country and its future.

The Mastan Ensemble  
Parvaz Homa; Vocals  
Mehrdad Arabi; Daf  
Arjang Faramarzi; Tonbak  
Pasha Hanjani; Ney  
Alireza Mehdizadeh; Kamancheh  
Azad Mirzapour; Tar  
Mahmood Nozari; Santoor  
Ali Pajooheshgar; Barbat

## Zoroastrian students reap two digit ranks in the postgraduate entrance exams

By Behrooz Namiranian

Zoroastrian students have won the 11th, 16th, 17th and 24th ranks in the postgraduate university entrance exams.

The 11th rank belongs to Mehraban Ghonsul Parsi, who intends to study in the field of ancient Iran's languages and culture, in Shiraz University. Ardalan Zandian won the 16th rank in Mechanical Engineer-



ing and wishes to enroll in Sharif Industrial University.

The 17th rank belongs to Azadeh Namiranian, who has decided to continue education in the field of informatics technical engineering, at Amir Kabir University, Tehran.

And, finally, the 24th rank was won by Farnaz Felfeli, who will study at Sharif Industrial University.



## Ten health habits that will help you live to 100

You don't need to eat yogurt and live on a mountaintop, but you do need to floss.

By: Deborah Kotz

The biggest factor that determines how well you age is not your genes but how well you live. Not convinced? A new study published in the British Medical Journal of 20,000 British folks shows that you can cut your risk of having a stroke in half by doing the following four things: being active for 30 minutes a day, eating five daily servings of fruit and vegetables, and avoiding cigarettes and excess alcohol.



While those are some of the obvious steps you can take to age well, researchers have discovered that centenarians tend to share certain traits in how they eat, move about, and deal with stress—the sorts of things we can emulate to improve our own aging process. Of course, getting to age 100 is enormously more likely if your parents did. Still, Thomas Perls, who studies the century-plus set at Boston University School of Medicine, believes that assuming you've sidestepped genes for truly fatal diseases like Huntington's, 'there's nothing stopping you from living independently well into your 90s.' Heck, if your parents and grandparents were heavy smokers, they might have died prematurely without ever reaching their true potential lifespan, so go ahead and shoot for those triple digits by following these 10 habits.

Don't retire. 'Evidence shows that in societies where people stop working abruptly, the incidence of obesity and chronic disease skyrockets after retirement,' says Luigi Ferrucci, director of the Baltimore Longitudinal Study of Aging. The Chianti region of Italy, which has a high percentage of centenarians, has a different take on leisure time. 'After people retire from their jobs, they spend most of the day working on their little farm, cultivating grapes or vegetables,' he says. 'They're never really inactive.' Farming isn't for you? Volunteer as a docent at your local art museum or join the Experience Corps, a pro-

gram offered in 19 cities that places senior volunteers in urban public elementary schools for about 15 hours a week.

Floss every day. That may help keep your arteries healthy. A 2008 New York University study showed that daily flossing reduced the amount of gum-disease-causing bacteria in the mouth. This bacteria is thought to enter the bloodstream and trigger inflammation in the arteries, a major risk factor for heart disease. Other research has shown that those who have high amounts of bacteria in their mouth are more likely to have thickening in their arteries, another sign of heart disease. 'I really do think people should floss twice a day to get the biggest life expectancy benefits,' stresses Perls.

Move around. Exercise is the only real fountain of youth that exists,' says Jay Olshansky, a professor of medicine and aging researcher at the University of Illinois at Chicago. 'It's like the oil and lube job for your car. You don't have to do it, but your car will definitely run better.' Study after study has documented the benefits of exercise to improve your mood, mental acuity, balance, muscle mass, and bones. 'And the benefits kick in immediately after your first workout,' Olshansky adds. Don't worry if you're not a gym rat. Those who see the biggest payoffs are the ones who go from doing nothing to simply walking around the neighborhood or local mall for about 30 minutes a day. Building muscle with resistance training is also ideal, but yoga classes can give you similar strength-training effects if you're not into weight lifting.

Eat a fiber-rich cereal for breakfast. Getting a serving of whole-grains, especially in the morning, appears to help older folks maintain stable blood sugar levels throughout the day, according to a recent study conducted by Ferrucci and his colleagues. 'Those who do this have a lower incidence of diabetes, a known accelerator of aging,' he says.

## Ferdowsi

### an Iranian hero and legend



UNESCO has agreed to Iran's proposal for the registration of Shahnameh millennium programs on its calendar of events in 2010. The proposal was put forward by the Ferdowsi Foundation early last March, and the Iranian National Commission for UNESCO submitted it to UNESCO's headquarters in Paris.

The autumn program, set in Germany, has been postponed to the first month of winter. A total of 23 tea-house paintings created by the Iranian artist Mansur Vafaii will also go on display during the event.

The Ferdowsi Foundation has suffered extensively from various backlashes in recent months. In June 14, on the Commemoration Day of Ferdowsi, the unfinished foundation building in Esfahan was demolished by the Islamic Republic for no apparent reason. The destruction was executed in the presence of Saqae-Nejad, the mayor of Esfahan.

The 6,500-square-meter building was constructed near the Sassanian Shahrestan Bridge, east of Esfahan, and was founded from charitable sources.

Ferdowsi and the Iranian language

Ferdowsi's epic masterpiece, The Shahnameh, also known as The Book of Kings, is the crown jewel of New Iranian literature and is cherished by all Iranian societies, including Afghanistan, Tajikistan, Central Asian states, and the Persian Gulf state of Bahrain.

Aside from its utmost literary importance (it is written in almost pure Iranian), it has been pivotal in the resurrection and survival of the Iranian language. The Shahnameh reflects Iran's pure cultural values, its ancient religions, and a profound sense of Iranian identity, nationalism and Iranianhood.

By: Dr. Niaz Kasravi

If you are anything like me, you believe that we, as human beings, have a great capacity to do good, and that we have the capacity for evil as well. The Zoroastrian religion teaches us that our calling in life is to use our good mind to choose good over evil. This is the reason that I have considered it my duty to work towards creating a world where people's humanity, human rights and civil rights are not only respected, but revered.

But sometimes things happen to make you question your belief in the goodness of human beings. We look around, and we see people being brutally suppressed and violated at the hands of their own government, merely for standing up and demanding their basic human and civil rights. We see innocent young people being beaten and shot to death as they participate in peaceful protests.

Closer to home here in the US, we watch as an unarmed young man is shot in the back by metro police. We see a law enforcement officer bragging about witnessing the death of a young black man to his drinking buddies at a bar. We see a 72-year-old grandmother being tasered by a police officer because she is being verbally combative.

The power of the internet has made these types of images and stories available to us at a click of a button. I remember watching some YouTube footage of the post-election events in Iran a few weeks ago. It showed a young man lying on the street, bleeding and writhing in pain, and about 20 people filming him with their cell phones. It was a grueling image. I didn't know how to feel. Why were people's first instincts to record images versus trying to help?

These images I had been exposed to over the last few months began to get to me. I watched as images from Iran flooded the internet, showing the chaos that my country of origin had descended into. I looked on and saw the cases of abuse that are still prevalent in the country I consider home. I began to wonder whether I had been fooling myself for the entire course of my adult life, fighting for a humanity that is more ideal than real, that only exists in my mind, that only represents how I want things to be.

I started to buy into the often cited claim that our lives are ruled by politics, that the world is merely a game of chess played by those in power, and we are just the pawns.

But if you let this belief consume you, I soon learned, then life becomes pointless. The framework of this mindset requires that you view life as trivial: we are put here to fight for power and get as much of it as we can while we are alive, and essentially disregard



## Humanity Reaffirmed

And I guess it comes down to a personal choice: will you believe the more cynical view of our world which disregards humanity, or will you believe in the potential for humanity to do good?

I can only tell you the decision I came to and leave you to make your own choice. We are not perfect beings. We make mistakes, grave mistakes. We have the potential to fill the world with fear and hate and revenge. And we tend to do that quite a lot. But we also have the potential to do good. We have the power and the capability to reverse evil, fight the urge to go towards evil, and certainly demand that every governing body in our world respect the basic human rights that are inherently due to every individual.

We are not there yet. But maybe in a world where human rights are guaranteed and our human dignity respected, the tendency for evil will slowly start to subside. Maybe in that world, the images of brutality we are getting so accustomed to will slowly begin to decline. Maybe if more of us demanded that those with power respect everyone's

humanity, and we held them accountable if they didn't, we would see less suppression.

For me, that is a world that is worth fighting for. It offers something greater than what we are and have been. It offers the chance to evolve into a better human race.

And if you ask me, 'What if you're wrong? What if all these maybes turn out to be an illusion?', I will say to you, 'What if I'm right?'

For me, that is a chance worth taking and a fight worth taking on.

And each of us can take this on. The first step is to remember our guiding principles: humata, hukhta, huvarshata – good thoughts, good words, good deeds.



### North America

#### ZOROASTRIAN PHONE DIRECTORY

*Serving The Zoroastrian Community & More*



*Proven High Consumer Usage*

*For Further Information*

**(714) 893-7437**

## Scholars resolve to revive Persian in India at conference

**A** mega-conference of Persian teachers concluded recently in Amritsar, India. Noted international scholars in the Persian language, who had gathered to participate in what was officially termed as the 28th International Conference of Persian Teachers, were of the view that Persian should be made a compulsory part of the syllabi in the country's universities and other educational institutions. They resolved that a Council for the promotion of Persian should be constituted by the government.

It was also concluded that all vacant posts for Persian teachers at different educational institutions should be filled immediately, and short-term courses should be introduced in Persian for advocates. That is considered particularly important as much of the legal parlance used in the country, particularly in Punjabi, is drawn from Persian.

The valedictory function for the conference was held at the Guru Nanak Dev University. Eminent Sikh scholar Professor Prithipal Singh Kapoor, and more than 150 Persian scholars from India, Iran and Afghanistan presented their views at the conference. More than 25 research papers were also presented by noted scholars on the relationship of Persian with Sikhism, and also on the importance and relevance of the Persian language in general.

The scholars opined that Persian courses should be made compulsory for Masters students in history, especially at the Guru Nanak Dev University. They said that short-term orientation courses/refresher courses, etc, should be arranged to popularize the language among non-Persian-speaking people, to acquaint them with the influence of Persian on Indian literature.

They also resolved that vacant posts for Persian in the Department of Archeology, museums and in various universities should be filled immediately. They urged the government to establish a council for the promotion of Persian language and literature, for the preservation of the rich cultural heritage of Persian, because many manuscripts are written in Persian.

Professor Prithipal Singh Kapoor, former Pro Vice-Chancellor of Guru Nanak Dev University, highlighted the importance and relevance of the Persian language and its situation in Punjab. He said Persian had a great cultural heritage. Talking about the relationship of the Persian language and Sikhism, Professor Kapoor said the interaction of language started with Guru Nanak.

No considerable efforts had been made to rescue the Persian language from its forced oblivion, and there is a need for the textual study and theological analysis of poetical works by Bhai Nand Lal, a Persian scholar.

Prof Balkar Singh said Persian sources had been important for researchers of Sikh history. He further added that Persian writings by Bhai Lal were absolutely in tune with the Sikh spirit, which provided the key to unlock the spiritual secrets and mystical flights of Sikhism through his poems.

Giving brief historical facts about Bhai Nand Lal, Balkar Singh said he was one of the 52 poets in the court of Guru Gobind Singh. Son of Diwan Chajju Ram, mir munshi or chief secretary of the Governor of Ghazni, Bhai Lal in a short time acquired great proficiency in Persian and Arabic languages.

After the death of his parents, he decided to return to Multan where he married a Sikh girl, who used to recite Gurbani and knew Gurmukhi. Leaving his family behind, he left for Anandpur Sahib and received Guru Gobind Singh's blessings. After staying at there for some time, he left to serve as mir munshi under prince

Mauzzam (later to become Emperor Bahadur Shah), due to an acquaintance of his father, named Wasif Khan.

Aurangzeb wished to convert him to Islam because he had so beautifully interpreted the verses of the Koran. Fearing persecution, Bhai Lal and his family left for northern India. Leaving his family in Multan, he once again came to stay with Guru Gobind Singh at Anandpur Sahib in 1697. Later, he returned to Multan where he opened a school of higher education in Persian and Arabic.

Professor Singh said Bhai Lal's seven works in Persian poetry included Diwan-e-Goya, Zindgi Nama, Ganj Nama, Joti Bigaas, Arzul Alfaaz, Tausif-o-Sana and Khatima, and Dastural-Insha, as well as three in Punjabi.

Earlier, the conference had been inaugurated by veteran journalist and former Rajya Sabha MP Kuldeep Nayyar. 'All the borders should only be laqueers (lines),' Nayyar said to the delegates. 'India has good relations with Iran and Afghanistan. They are from one culture, having a similar way of living.'

S M Nabi Zadeh, Ambassador of the Islamic Republic of Iran, Sayed Makhdoom Raheen, Ambassador of the Islamic Republic of Afghanistan, and Jathedar Joginder Singh Vedanti of Sri Akal Takht Sahib also expressed their views.

Jathedar Joginder Singh Vedanti highlighted the importance of Persian in the verses of Guru Gobind Singh in the Zafarnama and the writings of Bhai Nand Lal, and expressed the wish that Persian scholars would help in the analysis of Gurbani and the Sikh religion.

Source: WSN Network

## Italian team will help restore Cyrus the Savior's tomb

**A** team of Italian archeologists have agreed to restore the tomb of the ancient Iranian Empire's founder Cyrus the Savior, under an agreement recently signed in Tehran between Italy's culture ministry and Iran's cultural heritage body.

'I am most satisfied by this agreement,' said Italy's culture minister Sandro Bondi. 'A team of highly competent Italian restorers armed with highly sophisticated equipment will restore Cyrus the Great's tomb to its former splendor.'

'Once again, Italy's excellence in restoration work will contribute to preserving an extraordinary ancient monument which is an asset that belongs to humanity,' Bondi added.

Under the agreement, a team of Italian architects, geologists, microbiologists and restorers will work alongside Iranian counterparts in southwest Iran over the next three years, Italian archeologist and project leader Giuseppe Proietti told Adnkronos International (AKI).

'They will study the condition of the tomb and

its micro-climate, scan it and produce the documentation for the project to restore it,' Proietti said.

A team of Italian technicians has for the past year been restoring a tower on the ancient Iranian citadel of Bam's walls, Proietti noted. Located in southern Iran, Bam is also a UNESCO World Heritage Site.

The tomb of Cyrus the Savior is located in the ancient city of Pasargadae, the first capital of the Iranian Empire, founded by Cyrus the Savior in the 6th century BC.

It is also close to the ancient palace complex of Persepolis, founded by Darius I in 518 BC. Both cities are UNESCO World Heritage Sites.

'Cyrus the Great was a giant figure in ancient Persian history. While there are important Islamic sites, his tomb symbolizes Iran's identity and its national spirit,' said Proietti.

The famous ancient Greek warrior Alexander visited Cyrus the Savior's tomb in the 4th century BC as a sign of respect.



**Adobe**, or mud brick, structures have formed the basis for the human drive to inhabit the earth ever since civilization began in earnest. Entire kingdoms and even empires have used adobe in their infrastructural efforts.

Over the centuries, different methods have been introduced to make such building structures more durable. The civilizations that achieved success left their undeniable mark on human history, while others dissolved back into dust without a trace.

Ancient Iran developed a method for making adobe that extracted oxygen during the cooking process, and thus came up with a near-perfect construction material that was light, durable and smooth-surfaced. Once polished, it resembled limestone.

Adobe is a low-cost, readily-available construction material manufactured by local communities. Adobe structures are generally self-

## Ancient Persian technology: adobe making

made because the construction practice is simple and does not require additional energy consumption. Skilled technicians (engineers and architects) are generally not involved in this type of construction, hence the term 'non-engineered construction'.

In addition to its low cost and simple technology, adobe construction has other advantages, such as excellent thermal and acoustic properties. However, adobe structures are vulnerable to the effects of natural phenomena such as earthquakes or ground shaking following bomb or artillery strikes in war zones.

Due to their heavy weight, adobe structures are unable to resist high levels of force and therefore fail abruptly.

Should adobe buildings be constructed correctly, however, they can produce the most breathtaking skylines.

## Love lost

By: Shalini Kashyap Cyrousi

*What can I do when my heart is consumed?  
Where can I go when I can't leave my house?  
Who will I run to as my world falls apart?  
Why couldn't I love a little less in my life?  
Why can't I see that I'm fair and true?  
Who will believe that I've never loved like this before?  
When will I see happiness in my eyes?  
When will I love me for who I truly am?  
Why can't I accept that there's nothing wrong with me?  
Where can I hide when I don't want to be seen?  
Who can I run to when all I want is you?  
Who can I trust when I want to trust you?  
Who will save me when you turn on me?  
Who will save my heart when it breaks down completely?  
Will you ever love me the way I loved you?  
Will you ever want me the way I wanted you?  
Will you ever see me as I have seen you?  
Will you fix my heart and my soul?  
Or will you leave me standing as you've done in the past?  
I think I'm very naive and at times so blind  
But loving you was worth all the hurt you left behind.*

## Risk

By: Shalini Kashyap Cyrousi

You say I could be yours  
You say I could be it all  
You've found in me what you can't find in anyone  
else  
Yet you go and leave things to be discussed  
Do I believe you or do I leave you  
You've become evasive  
You've become impulsive  
You're not like me and I think that's why I like you  
We get along so I wonder why  
Why you won't take that risk  
That risk to love me and let me love you  
Guess it wasn't meant to be  
I still don't know  
But in time we'll see

## Side by side

By: Mahzad Shahriari

Through the good times and the bad  
Together we walk side by side  
Any problems we have between us  
In each other we always confide  
  
We understand each other's feelings  
And to each other know what to say  
When one of us is feeling down  
The other chases their blues away  
  
Any problem one can't handle  
The other takes upon their back  
We always lean on each other  
When things get out of wack  
  
Laughter rings out between us  
More often than not  
And when we're side by side  
Our troubles are soon forgot

## A friend

By: Sir Shotgun

A friend is the one who tells you the truth  
regardless of the cost,  
A friend will help you find the things  
You'd given up as lost  
  
A friend will never put you down  
or make you feel alone,  
He'll smile and try to comfort you  
'cause together you have grown  
  
A friend is the one who picks you up  
when you've fallen on the ground,  
A friend is the one whose voice at night  
is a welcome, warming sound  
  
So when you think you're on your own  
and wish you had a helping hand,  
Remember, a friend is the one who,  
when you cry, will always understand  
  
Because the world is full of people  
who will laughingly pretend,  
But, when it's said and done  
You're lucky if you've got a friend...

## Never surrender

By: Corey Heart

Just a little more time is all we're asking for  
Cause just a little more time could open closing doors  
Just a little uncertainty can bring you down  
And nobody wants to know you now  
And nobody wants to show you how  
So if you're lost and on your own  
You can never surrender  
And if your path won't lead you home  
You can never surrender  
And when the night is cold and dark  
You can see, you can see light  
Cause no-one can take away your right  
To fight and never surrender  
  
With a little perseverance you can get things down  
Without the blind adherence that has conquered some  
And nobody wants to know you now  
And nobody wants to show you how  
So if you're lost and on your own  
You can never surrender  
And if your path won't lead you home  
You can never surrender  
And when the night is cold and dark  
You can see, you can see light  
Cause no-one can take away your right  
To fight and never surrender, to never surrender

## Angel

By: Shalini Kashyap Cyrousi

*My little angel  
That's what you are  
Keeping you beside me and never far  
Loving every moment  
Cherishing all you do  
Nothing in the world could separate me from you  
So innocent and sweet  
You have no idea  
Everything you do is perfectly clear  
Your tiny little cries make me laugh and cry  
You being near me makes me want to try  
Trying to be patient and effortlessly kind  
Keeping your thoughts always in mind  
Respect is all I have when it comes to you  
Leaving you alone simply wouldn't do  
I hope you realize how much you are loved  
For me anyway you are more than enough*

# Persian Gulf Forever

Despite ancient Greek, European and even Arab documents reiterating that the Persian Gulf has always belonged to Iran, there are calls by some Arab states to change the name of the Iranian sea.

April 30 has been declared Iran's National Persian Gulf Day to show the world that the name will never be distorted by baseless claims and demands.

The Persian Gulf is located along the Oman Sea, between Iran and Saudi Arabia. It is spread over 233 thousand kilometers and is the third biggest gulf in the world.

The ownership of the Persian Gulf has been violated by expansionists since the 15th century. Historical documents say ancient Greeks used the name of 'Sinus Persicus', meaning Persian Gulf, in their books; therefore, there is no doubt in the name, since it was first used by valid sources who were not Iranian.

Also all written historical sources from Pythagoras' itinerary, written in 570 BC, to works produced in 1958 have used the term 'Persian Gulf'. Until the 17th century all documents had called the Iranian sea 'Khalij al Farsi', 'Bahr al Farsi', and 'Bahr al Ajam'. Meanwhile European countries named it 'Sinus Persicus', 'Persian Gulf', 'Persische Golf' and 'Golfo di Persia'.

Also the works of Moroccan Muslim scholar Ibn Battuta, the Greek-born historian and geographer Yaghout Hamavi, the Iranian poet and writer Hamdollah Mostofi, literary man and historian Hamzeh Isfahani, philosopher and poet Naserkhosro Ghobadiani, and writer Ibn Balkhi are among ancient figures who have referred to the Iranian sea as the Persian Gulf in their Arab-written books.

But the name 'Arab Gulf' was first used by the British, working in mandated Arab Sheikhs territories. A Brit-

ish political representative in the Persian Gulf, Roderick Owen, wrote his book *The Golden Bubble of the Arabian Gulf* in 1958, in which he said, 'I had not seen any name except Persian Gulf in geographical books and maps before, but having lived in Persian Gulf coasts I found only Arab people live there, so it is polite to call it Arab Gulf.'

Roderick Owen's statement is clearly a lie, because the majority population of the Persian Gulf coasts has always been Iranians, therefore Roderick Owen must have had a bad case of hallucination. However, if one day we find only Arabs living in England, then it will be polite to call it Arabia, and we are not far from this reality.

Observers say Roderick Owen and Sir Charles Belgrio used the name to make division between Iran and Arab states.

Sir Charles Belgrio, who served as British political representative in the Persian Gulf for 30 years, published a book and claimed Arab people prefer to name the sea the Arab Gulf.

Shortly after his book, the term Persian Gulf was replaced by Arab Gulf in the Arab and English press.

For the first time 11 years ago, Iran voiced strong objection against Iraq, certain Arab states and Britain for changing the name of the Persian Gulf, and Iran's customs and post organizations refused to accept shipments carrying the name of Arab Gulf.

It also gave reaction to the forged name of Arab Gulf when the term was used by Arab representatives in international meetings.

Iran has held a meeting in Tehran to arrange a Persian Gulf encyclopedia with the presence of political and military officials.

## WHAT IS THE MEANING OF LIFE?

By: Sanam Sepehry

Lately, I have been going through this journey of internal discovery. If circumstances take away your job, your usual leisure activities, your superficial relationships and everything that you hold as your status and identity, what is left?

If life essence was coming from an outside stimulus, all of a sudden, you feel empty and lost. It seems that life's train is going by all around you, but you are too far from the stations, and you don't even know which stop you need to be at. All that you have known and thought of yourself is being pulled out from under your feet like a rug.

How to build meaning? How to find an identity? Who am I? Yes, I am a human being, and I am female. Without my job title, without my family status and without my obligations, what do I stand for? I am in search of that true identity. I have to allow it to emerge and take form to become the real me.

Most of us go through life without asking questions. We follow what society, culture, environment and authority have regulated for us. We become part of a molded box. We become trapped and lose the awareness to even question the bigger picture. The world of possibilities is right in front of us.

I am attempting to give meaning to my life. I try new experiences from the outside world. I give voice to my passions. I am starting to question my upbringing and my education. And most important of all, I am restructuring my brain to become trained in the art of deeper thinking.

Just to dig a little deeper to uncover what I am and how I see myself in this world. I associate with individuals who encourage me to uncover the layers of my consciousness. I feel that the way I was educated and taught by my parents and my educators did not teach me how to think. I used to believe that thinking is all the thought processes

that go through our minds on a daily basis. I even had to take this statement one step further.

What is the meaning of life? Is it to take notice of life's natural beauty that surrounds us? Is it to find who we are from the inside? Is it to believe a higher power and have faith that everything happens for a reason? Is it reading that has become the water that my dehydrated body seeks to clarify and shed some light on my existence? Is it observing humanity around us and forming an identity? Is it to identify one's characteristics?

Another part of me asks questions about religion, words, my purpose and the meaning of me being alive and going through this journey of self discovery, even though it is painful. I am becoming more aware of my surroundings. One conversation with a stranger on the bus guides me towards a book, which in turn triggers a concept in my mind. Interacting with different people brings new insight into my own existence. It is a work in progress and I am very excited to see the butterfly that will arise from the caterpillar, once some of my questions have been answered.

Nevertheless, I don't want to undermine the losses and the changes that one must go through in order to come out a new person. This experience is charged with raw, uncomfortable and overwhelming emotions. All of a sudden due to whatever trauma, drama or unanticipated event arises, you find yourself lost and scared. It becomes easy to just see the present obstacle as the cause of all this turmoil that you are going through. It is all connected and at times you just feel like you are hanging from a thread. Fear surfaces and pulls you from all sides. Hang on tight; the rollercoaster ride is in progress.

### The dynasty of Jamshid

Shah Jamshid belonged to the Paradhata, or Peshdadian, dynasty which gave laws to people. So it was called the law-giving dynasty. This dynasty was started by the first king Haoshyangha, which means intellect and wisdom. Later it became Hoshang, which is still used by Parsis, and Hushang by Iranians.

### Jamshid's accomplishments

According to the Firdowsi's Shahname, Jamshid was the fourth king of this dynasty. He commanded angels and demons, was a king and a priest. The word Jamshid is derived from the Avestan word Yima Khashaeta.

It is believed that the Aryan civilization started with this dynasty, from the fact that it established a society with rules and laws; farming and metal tooling; and domestication of animals. According to Firdowsi, he divided the society into four classes, as follows:

- Priests to offer the prayers to divinities.
- Warriors to protect the people (Avesta, rathestar).
- Farmers to cultivate soils and grow vegetables and fruits (Avesta, Vastryo-fshuyante).
- Artisans for arts, metallurgy and wood working (Avesta, Hutoxan).

With this classification, Jamshid employed people to build mud brick houses, palaces and castles. He taught cleanliness by building hammams (baths). So the hammam could be an old Iranian tradition.

He believed in the dignity of labor if the world were to flourish. He said, 'Laziness maketh freemen slaves.' Yet, artisans were not slaves. He made rose water, perfumes from herbs, and is credited with making wine.

There is a myth that Jamshid had a magical cup with seven rings filled with the elixir of immortality, which allowed him to see the universe. Nizami, Rumi, Saadi, Hafez and other poets talk about Jam-e-Jam, the cup of Jamshid. Thus, such a form of mysticism gave rise to later Sufism first found in Indo-Iranian thought.

It is believed that during Jamshid's reign, animals and men did not die, plants did not wither, and waters were plentiful. There was no old age or death. Father and son moved around as if they were both 15 years old.

According to Yasna 32.8 of the Ahunavaiti Gatha, Jamshid's father was Vivahvant (in Rig Veda, Vivasvat) which means 'he who shines'. Zarathushtra uses the word Yima for Jamshid in the same verse. Jamshid had two brothers, namely Tehmuraspa and Nasri; and a sister Yimak.

Hindus who considered themselves Aryans called their land Arya Vata, while in the Avesta, the land of Iranians was called Aryana Vaejah. Hindus considered Yama the god of the dead. People in some parts of Iran, including the Kalash area in the north west of Pakistan, worshipped Yama as a god.

### The legend of Sedreh va Kustiko

It is believed that Sroasha divinely inspired Jamshid to put on the sacred garment (Sedreh) and to tie the belt of Kustiko (Koshti) to ward off evils. Sedreh pushi could be a very old custom. The belt is astronomically compared to the star-studded belt of Orion leading the Pleiades, which is a cluster of

## Shah Jamshid in Gathas, other Zoroastrian scriptures and Shahnameh

By: Bahram Deboo

more than 300 stars in the constellation of Taurus. Several of them can be seen as blue-white giants visible to the naked eye. One can see the straight line of three brilliant stars.

Different cultures throughout the world knew about this cluster of stars and gave it cultural significance. In Persian, it is known as Parvin; in Japan, Subaru; and even the most primitive people including Australian aborigines have noted these bright stars.

### The image of Orion

The image below from NASA's Spitzer Space Telescope shows infant stars 'hatching' in the head of the hunter constellation, Orion. Astronomers suspect that shockwaves from a supernova explosion in Orion's head, nearly three million years ago, may have initiat-



ed this newfound birth (Wikipedia).

(Google image)

### Jamshid and his God

According to some scholars, Firdowsi, who actually did not know the name of the God that Jamshid worshipped, assumed that it was Mazda Ahura. Professor Humbach is of the opinion that Jamshid could not have known Zarathushtra's Ahura Mazda but might have very well worshipped Mithra. In Yasna 32.8 of the Ahunavaiti Gatha, Zarathushtra uses the word Gautha baga and not Gautha Ahura Mazda.

Here is what Dr Jafarey has to say, 'The word used for god is baga, meaning 'one who dispenses, portions or distributes, dispenser' and not ahura (the being, the essence) or yazata (the venerated). While used frequently for 'god' in Sanskrit, it is rarely occurs in the Avesta. Zarathushtra uses it once and that too to express his denunciation of Yima (King Jamshid) who is "reported to have called himself the baga of our world." There are three more instances of bagha in the Later Avesta, one for Ahura Mazda, another for Mithra as the "wisest" of them, and another for the moon. The word clearly means "dispenser" of certain favors and not "god" or "deity", the Creator, Maintainer and Promoter, as some like to interpret. It stands for "god" in

its secondary meaning.'

In Yasna 32.8, Zarathushtra's denunciation of Yima is very important because Jamshid became too proud, claimed to be 'the dispenser of the earth' and asked people to worship him as a god. In Yasna 32, Zarathushtra strongly exhorts daevas, the false gods and their followers, to give up their Akko Mana, the Evil Mind, as their deceits have increased and have become notorious in the seventh region of the earth. Their followers have become 'beloved of the Daevas'. They are opposing the divine mind, are departing from the wisdom of Ahura Mazda, and are not following righteousness. This type of conduct has deprived people of the good life and immortality through wrong words and wrong deeds.

Zarathushtra now says that Yima was one of the wrongdoers. As such, people lost their state of happy living (pairidaeza). In Zamyad yasht, it is mentioned that the kingly glory left Jamshid in the form of a bird. Since then, Yima fell from the glorious state that he created for him and his people. Thus, Zarathushtra calls Jamshid a false god. He urges people not to follow such charlatans as they will ruin their life.

### The original land of the Aryans

This is a highly debatable subject, depending upon which scholar is talking. However, in Vandidad, we have a general description of the land where there were ten months of winter and two months of summer. Even the summer months were cold. Since the population increases, he moves towards the sun three times.

God warns him that a severe cold winter is coming and urges him to get ready. This story is similar to the story of Noah. In Noah's story, it is the Glacial Age that is coming. To protect creation, God advises him to collect the best seeds of every kind of plant, tree, fruit, animal and human being. God instructs him to build an enclosure called Vara, in which he takes the collected specimens and preserves them until the Ice Age is over.

Fargard II, the author of Vandidad, and Firdowsi have given, in detail, a complete description of this story. When the Ice Age is over, it was the spring of new hope and new generation. Jamshid celebrates this new beginning and thanks God for helping him save creation. Thus, he founded the festival of Nowruz called Jamshe-di Nowruz.

After winter was over and the beautiful, balmy spring came, he celebrated every year New Year's Day with a great joy and splendid glory. So it is also called Nowruz and celebrated by millions in many countries of the world.

### Conclusion

In the northern hemisphere, there are many scientific data demonstrating the glacier ages. The last one started around 110,000 years ago and ended 12,500 years ago or so. From this data, some scholars, including the late Tilak, concluded that the land of the Aryans might have been around the Arctic area, and migration to the Central Asia area took place. We still have many countries in Central Asia and people there who once were Zoroastrians. So the festival of Nowruz could be as old as 12,000 to 9000 BCE. Hopefully, our young scientists will throw more light on this subject.



## Trees in ancient Iran

Translated by: Haleh Hadiyan



For many years, planting trees and other vegetables has been of particular interest and importance in Iran. You see the symbol of the tree of life, or Sarv (Cypress), in ancient images and ruins like the Hakhumashian main masonry in Persepolis. Because it is evergreen, the Sarv has always had a particular importance in Iran. There is a 4000-year-old Sarv, also called the Zoroastrian Sarv, in nearby Abarghood (Yazd).

In addition to the images and masonry, you can also see in textiles a kind of tree or plant symbol of a curved Sarv, later called the Tarma.

Trees have a special place in other Iranian art forms like miniatures. In the Avesta, they believe one of the six processes of creation to be the creation of plants.

According to ancient Zoroastrian belief, the Gaahanbar (face) ayah Sherem celebration sometimes equals the fourth process of creation, and is at the time when God created plants and vegetables. Therefore narrative celebrates in these five days and thanks God for the creation of plants.

Planting vegetables and trees has

been prevalent since ancient times in Iran. Upon the birth of a new baby, each Zoroastrian person had a duty to plant a young tree, mostly a Sarv, naming it after the baby. As the sapling grew into a tree, so would the child become an adult.

Tree planting is one of the New Year ceremonies which have been prevalent among Iranians since ancient times. About 25 days before Nowruz (New Year's Day), twelve pillars, out of the mud bricks around the courtyard, would be erected, and on top of each pillar a kind of cereal grain would be planted.

On the 6th of Farvardeen month or Khordaad Rooz (day), while singing and playing their instruments, they would take the crop. The pillars would stay up until the 16th. By looking at the growth of the grains, they would augur that whichever had grown taller and fuller would give a better harvest that year.

In Avesta, Foroogh, or the guardian angel of plants on earth, is Khordaad Emsha Sepand. Khordaad being the Avesta diction, Hayah Orotaat meaning eternal life, and plants are a symbol of that, and a sign of life and being eternal.



## Zoroastrian Museum in Kerman

The world's only Zoroastrian anthropology museum, which showcases the ancient history of Zoroastrians, is in Kerman's Fire Temple.

The idea of launching the museum, along with the library of Kerman's Zoroastrian Society, came about in 1983, when the head of the society, Parviz Vakhshouri, and the former head of the library collected cultural heritage artifacts from Kerman's Zoroastrian community. These two officials added many other objects to this collection.

The museum was officially inaugurated during Jashn-e Tirgan in 2005. The occasion is today celebrated by Iranians. In the festivities marking the occasion, people dance, sing, recite poetry and serve culinary delicacies.

Children rejoice by swimming in streams and tying rainbow-colored bands on their wrists, which are worn for 10 days and then thrown into a stream.

The building of the museum was designed in the 1990s in the wake of the endeavors of Behdinan Farzaneh, Hormuzdiyar Ashidari and Mahindokht Siyavashiyani, and it was completed in 2001.

Among the oldest items in the museum is a book handwritten in Gothic (an archaic Germanic language) script, dating back over 200 years ago,

and a brazier on which the date 1207 in the solar calendar (1828 in the Gregorian calendar) is engraved.

Among the precious sections of the museum is the section for fartur (picture) and documents. The pictures of the Zoroastrian Society of Kerman and Rafsanjan and personalities like Arbab Khosro Shahrokh, Mirza Borzou Amighi, Keshvar Khanom and Pourandokht are particularly valuable.

A section of the museum is designated for different types of braziers and lanterns. Another section showcases women's clothing items dating back to 50 to 150 years. These items include coats, dresses, headscarves and pants decorated with floral patterns.

Every year during Norouz holidays, Kermani youths guide those who visit the fire temple and museum. Throughout the year, these youths attend the museum's training classes in order to harmonize the descriptions of items displayed in the museum and fire temple about Zoroastrian rituals.

Due to the efforts of these youths, in the new Iranian year (started March 21), for the first time, the area for visiting non-Zoroastrians was separated from the area used by Zoroastrians for worship so that they can say their prayers in a more serene atmosphere.



## Restoration leads to destruction of Persepolis stair

A stair on the northern stairway of the Council Hall of Persepolis was smashed to pieces during a restoration project last week. The stair fell and shattered as it was being lifted by a crane, said an anonymous source.

The stair was fractured through its center and some fragments broke into over 10 pieces, he said. He added that the accident occurred as result of the dearth of necessary equipment and experts.

Many restoration experts believe that it is unprofessional to use a mechanical crane in the restoration of historical and ancient sites, he noted. No more details were given about the accident.

In November 2008, an anonymous source accused the Parsa and Pasargadae Research Foundation of spoiling the authenticity of the Cyrus Tomb through an inept restoration project, which was completed by the foundation's experts in December.





**COLDWELL  
BANKER  
COMMERCIAL**

**Ramin Ostowari/REALTOR®**  
CA DRE #01322564

Commercial & Residential Investment Services  
Specializing in Multifamily Apartments, Industrial,  
Office And Retail

27742 Vista del Lago, Suite #1  
Mission Viejo, CA 92692

Phone: 949.230.7231  
Fax: 866.773.1262  
ROstowari@ColdwellBanker.com

*"When you want results and not just promises!"*



By: Meher Amalsad

## Did you know that the founding trustee of the Council for a Parliament of World Religions is a Zarathushti?

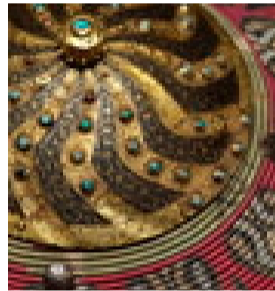
Mr. Rohinton M. Rivetna is the founding trustee and past VP of the council, was founding president of the Federation of Zoroastrian Associations of North America (FEZANA), and spearheaded the founding of the Zoroastrian Association of Chicago. He is also the founding president of the World Zarathushti Chamber of Commerce.

Professionally, Mr Rivetna retired in 1997 as director of environmental engineering at American National Can Corp, where he established a successful environmental engineering department.

First held in Chicago in 1893, the Parliament of the World's Religions brings together the world's religious and spiritual communities, their leaders and followers to a gathering where peace, diversity and sustainability are discussed and explored in the context of interreligious understanding and cooperation.

### Exhibition on The Tsars and the East:

## Gifts from Turkey and Iran



The Smithsonian's Arthur M Sackler Gallery in Washington DC, in coordination with the Moscow Kremlin Museum, has organized a spectacular exhibition of 16th- and 17th-century diplomatic gifts from Turkey and Iran to the Russian tsars.

The exhibition is comprised of approximately 65 remarkable and little-known objects that have rarely been on view outside of Russia, and never before in the United States. The objects are those which large embassies, diplomatic missions, and trade delegations of Ottomans and Safavids offered to the tsars.

Ranging in date from the late 16th to the late 17th century, these lavish gifts and tributes include rarely-seen arms and armor, and jeweled ceremonial vessels and regalia intended for the Russian court or the Orthodox church.

Some of the finest pieces are equestrian in nature: stirrups with pearls, golden bridles with turquoises and rubies, and saddles covered with velvet and silk.

The exhibition, only on view in Washington DC, explores the reasons why these extraordinary gifts were presented, their artistic and cultural impact, and the aesthetic styles and ceremonial etiquette they inspired, that came to characterize the Russian court in the 17th century and beyond.

The Tsars and the East: Gifts from Turkey and Iran in The Moscow Kremlin will be on display until September 13.



By: Meher Amalsad

## Have you heard about an extinct fire temple which tells about our past so vividly that we can still feel its heat?

The Atashkough Fire Temple – a national heritage site in Iran – is an extinct fire temple, which tells us of the old past. This past may be extinct, but we can still feel its heat.

Atashkough tells us of this ancient fire whose history dates back to the Sassanian period. This fire temple is built at the

foot of Mount Atashkough, near a river by the same name and covering an area of 600 sq meters. This fire temple was in good shape until a thousand years ago.

**So what happened? See below to find out for yourself.**

Source: Amordad Publications, Iran

By: Meher Amalsad

## Congratulations Zarathushtis now have a full membership on the European Council of Religious Leaders (ECRL)



The European Council of Religious Leaders (ECRL) is a European inter-religious forum for cooperation between senior leaders of religious traditions represented in Europe (Judaism, Christianity, Islam, Buddhism, Hinduism, Sikhism and Zoroastrianism).

Mr. Jehangir Sarosh from the United Kingdom was elected to the Council's Executive Committee, to represent Zoroastrians, but he was also nominated by Buddhists, Hindus and Sikhs religious leaders to represent

their respective religions on ECRL.

This shows the great trust that they have in our community. We can all be proud of the legacy of our forefathers. What a distinguished honor for our Zarathushti community!

Mr. Jehangir Sarosh has been immediate past president of the World Conference of Religions for Peace since 1999, as well as a member of the Advisory Committee for the International Interfaith Center and of the World Congress of Faiths.

## San Francisco Board of Supervisors introduces Nowruz resolution



On March 24, 2009, the San Francisco Board of Supervisors introduced a resolution celebrating the traditional Persian New Year, Nowruz.

The resolution urged San Francisco's representatives in the US House of Representatives to co-sponsor H.Res. 267, introduced by Congressman Michael Honda (CA-15th) on March 19, 2009. The resolution recognizes the cultural and historical significance of Nowruz, expresses appreciation to Iranian Americans for their contributions to American society, and wishes Iranian Americans, the people of Iran, and all those who celebrate the holiday a prosperous new year.

The San Francisco Board of Supervisor's Nowruz resolution was introduced by Supervisors Ross Mirkarimi, Sophie Maxwell, and Michela Alioto-Pier.

If your Representative is already a cosponsor, take the time to thank him or her. If your member of Congress is not a cosponsor, educate them about the Iranian New Year and ask him or her to sign on.





Parichehr Namdar Freydooni was born in Tehran, Iran. Her mother, Siminedokht Zarre Namdar, knew from early on that Parichehr enjoyed using, and had a unique talent with, lines and colors.

Parichehr received her high school diploma from the Zoroastrian high school, Anoushiravan-dadgar in Tehran. Her mother then encouraged her to enter the Department of Fine Arts at Tehran University. Parichehr is the only Zoroastrian woman to have graduated from this prestigious art school.

Parichehr Namdar married Bahram Freydooni, one of the CEOs of Petrochemical Industries in Iran. They raised four children, Veyastar, Itay, Kateh and Hitasp. Parichehr remembers and misses her beloved husband, Bahram. He was an important supporter in her life.

Parichehr Namdar Freydooni tried a variety of painting styles until 1965. She then created her own new technique in oil painting Impressionism. This new technique reflects movement by showing the passage of time.

In one of her famous paintings Mah-tub 'Moonlight', the viewer standing on one side of the painting sees the moon covered by clouds, while a viewer standing in front of the painting sees the moon filter through the cloud. At the same time, a viewer standing on the opposite side of the original reference point astonishingly sees the moon shining completely out of the clouds.

As Parichehr describes her new technique, she emphasizes her belief that the philosophy involved in art is the most important factor. Her philosophy, which is portrayed by her artistic foci, can be depicted in the following way:

#### **Beliefs:**

Everything in nature has its own volume and for that reason it should not be drawn from one single dimension. People communicate through sympathy, antipathy, telepathy and waves

## Cavalier of the Arts:

# Parichehr Namdar Freydooni

By: Roya Waltman



emitted from the brain. 'Heat' emitted from one person can be a form of communication to another person.

#### **Artistic foci:**

This 'passing of time' (as in a view of sun setting and rising on the ocean or behind some hills).

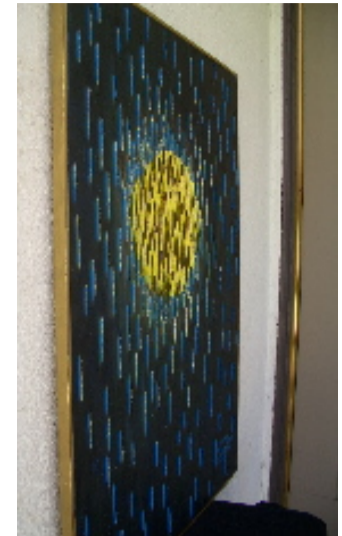
The use of opaque glass, or anything else that results in reflection of colors, causes distortion of the colors involved. Hence, the movement of the viewer causes changes in the painting's color, form and composition. By means of reflection, movement of clouds over the sun and the moon causes changes in the intensity of shades and colors.

Elements like rain, hail, snow and other shade factors are transparent curtains of nature.

In 1978, Parichehr Namdar Freydooni was invited to Vichy, France, with fellow Iranian female artists in celebration of the Women's Year. The special award for this event, the Honor Diploma from UFACSI, was given to Parichehr for her creation of the new technique in Impressionist oil painting.

In 1983, the World Encyclopedia of Contemporary Artists published the biography of Parichehr's life and her painting career.

In 1985, Parichehr Namdar Freydooni was invited with artists from 40 other countries to Italy. There she became the first woman



in the world, and only Iranian artist, to win the Cavalier of the Arts (Cavalier Delle Arti) title. She also won this widely-recognized honor for creating the new technique in Impressionist oil painting: Reflects, Movement and Passing Time.

In 1986, Parichehr was given the honorary diploma of Knight of the Arts from the Italian Accademia Bedriacense.

While residing in the United States of America, Parichehr participated in many exhibitions such as the World Contemporary Arts in 1999 at the LA Convention Center, and at the Celebrity Center International Scientology Center in LA. Her work and career earned her the Best of the Show and Life Achievement awards.

In the year 2000, she received the Daughter of Mashyani award and title from The 7th World Zoroastrian Congress.

Parichehr's interest in art has led her in many directions. She designed the current logo for Iran's Cartography and Mapping Organization. She also has a love for poetry and has a collection of her own poems in Farsi which we hope will be published soon.

Interestingly in 1965, she also designed the Zoroastrian priest's (Mobeds) outfit. Today, Mobeds all around the world are still wearing the attire she designed decades ago. Throughout her life, both personal and professional, this Cavalier of the Arts, Parichehr Namdar Freydooni, has always followed the Zoroastrian motto: 'Good Thoughts, Good Words and Good Deeds'.

Parichehr Namdar Freydooni is a symbol of success to women and to Iranians worldwide. Her hard work and achievements make the Zoroastrian community very proud. We wish her health and happiness and thank her for sharing her life story with us.



### COVER STORY

#### **Page 4**

- Parichehr Namdar Freydooni

### NEWS SECTION

#### **Page 5**

- World Religions
- Gifts from
- Turkey and Iran
- Nowruz resolution

#### **Page 6**

- Trees in ancient Iran
- Zoroastrian Museum in Kerman
- Persepolis

### GATHAS

#### **Page 7**

- Shah Jamshid in Gathas

### YOUTH CAFE

#### **Page 8**

- Persian Gulf Forever
- **Meaning of Life**

### LITERATURE

#### **Page 9**

- Poems

### HUMANITY & CULTURE

#### **Page 10**

- Persian in India at conference
- Restore Cyrus the Savior's tomb

### HUMANITY

#### **Page 11**

- Humanity Reaffirmed

### GENERAL

#### **Page 12**

- Ferdowsi
- Ten health habits

#### **Page 13**

- Minorities join Mousavi
- Iranian classical musical

#### **Page 14**

- Tajikistan Flag's
- Cyrus The Great



## Editor's Note

By: Mehrdad Mondegari

Much time has passed since the last issue of the Zoroastrian Journal, and it is only right to provide an explanation to our readers as to why this happened.

We are all aware of the recent economic down turn, you can hardly avoid the news headlines pointing to this fact. The economic slowdown has affected many organizations and individuals. Foremost, nonprofit organizations have all been severely affected. The Zoroastrian organizations have also felt the effect with slowing of their revenue stream. As a result, a restaint has been placed on their spending budget. The Zoroastrian Journal has had to face similar challenges in terms of financing the printing and distribution of the paper.

Fortunately, after many phone calls, letters and e-mails by individuals from Iran, USA and other parts of the world we were able to generate the required funds to once again proceed with this publication. This is particularly good news for the revival of the Ahurai culture.

We ask all our readers to please support this publication through donations, if you would like to donate funds, please look at the information provided below this article.

Let's band together and express our love for the Ahurai culture by supporting this journal. Express your unity in this cause; promote the culture that produced persons such as Cyrus the Great. This publication informs people of our glorious history and culture. With your help we are providing much needed knowledge about our unity in our culture.

Keep in mind, that many volunteers put much of their time into this without receiving any compensation; it is only the love of our culture that energizes and motivates our staff.

Iranians at this time, more than any time before, need to enlighten those who are seeking their real culture. The spirit of this movement is searching for those who are willing to bring back alive their ancestral beliefs.

Freedom, hope and happiness are evil's worst enemy. The Ahurai history is full of love, human rights, respect for life and freedom; this is the corner stone and foundation of our real culture, which has been spread to much of the world. The Ahurai culture teaches us to live in peace and harmony, every man and woman is our brother in this world. Inform the world that the Ahurai culture which originated from Iran is what the whole world is seeking. All these principles that are true to our culture must shine in our mind again.

California Zoroastrian Center  
Zoroastrian Journal  
Chase Bank  
Account #421-334675-6

SPECIAL THANKS TO OUR SPONSORS  
DR. ARDESHIR JAHANIAN  
DR. ARDESHIR & MRS. SHIDA ANOUSHIRVANI  
TRUST OF ARBAB ROSTAM GUIV  
ZARATHUSHTRIAN ASSEMBLY  
WORLD ZOROASTRIAN COUNCIL  
FOR THEIR GENEIOUS DONATIONS



## The Zoroastrian Journal

Volume XIV No. 14  
Publish: Quarterly  
Autumn 2009

### Topics:

Religions, Culture, Social, Science,  
History, News...

### Senior Editors

Mobed Bahram Deboo  
Shahrooz Ash

### Chief Editor

Mehrdad Mondehari

### Assistant Editor

Roya Waltman

### Authors/Writers

Dr. Niaz Kasravi  
Shahrooz Ash  
Mahzad Shahriari  
Roya Waltman  
Mobed Bahram Deboo  
Sanam Sepehry  
Deborah Kotz  
Behrooz Namirani  
Shapur Negareh  
Tehran SoParvaz  
Behrooz Khalili

Director and Publisher:  
**California Zoroastrian Center**  
A Non Profit Organization

Typesetting & Page Layout:  
A Smart Typesetting

### Cover Photo

Autumn in Iran

Printed By:  
LA Web Press

Email: [info@CZCJournal.org](mailto:info@CZCJournal.org)  
Tel.: (714) 893-4737  
Fax: (714) 894-9577

[WWW.CZCJOURNAL.ORG](http://WWW.CZCJOURNAL.ORG)



## CALIFORNIA ZOROASTRIAN CENTER

8952 HAZARD AVENUE  
WESTMINSTER, CA 92683  
U.S.A.

**(717) 893-4737      FAX (714) 894-9577**

**WWW.CZC.org**  
Email: [info@CZC.org](mailto:info@CZC.org)

Ahura Mazda [Wise Lord] is the Zarathushtrian God.

Zarathushtrians believe in

Good Thoughts, Good Words and Good Deeds.

Asho Zarathushtra Spitaman is our prophet and teacher.

The Zarathushtrian sacred text is called the Avesta. The five Gathas in the Avesta are the very divinely inspired words of Asho Zarathushtra, the holiest of the holiest. The Zarathushtrian religion is the oldest monotheistic religion in the world, dating back to the fourth millennium. According to Zarathushtra there is only one God. True Zoroastrians follow the path of Asha [Righteousness]. Our religion teaches us to respect these four elements: Water, Fire, Air and Earth. Zarathushtra says that the divine is present within each one of us and in all things. This divine Flame should not be contaminated, but sustained by good thoughts, good words and good deeds. In the Avestan text Yasna 17.11, Zarathushtra expresses his beautiful thought by speaking of the fire in all things, the fire within each one of us. If the divine is present in all of us, then one must accept that Humans are divine. In fact all beings with life are a divine creation of the creator. Zarathushtra is the first person to advocate freedom of choice: in the Gathas it is stated that Ahura Mazda made us such. This is why Zarathushtra is known to be the father of free will.

'Zoroastrianism is the Oldest of the revealed world religions, and it has probably had more influence on mankind, directly and indirectly, than any other single faith.' - Mary Boyce, *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices* (London: Routledge and Kegan Paul, 1979, p. 1)

GOOD THOUGHTS



# The **ZOROASTRIAN** Journal

Volume XIV, Issue 14

California Zoroastrian Center

Autumn 2009/3747 Zoroastrian Calender

## **Cover Story:**

Parichehr Namdar Freydooni

## **Other Topics:**

- Shah Jamshid in Gathas
- Persian Gulf Forever
- Humanity Reaffirmed
- Cyrus the Great

